

# "Khusraw and Shirin"

by  
Nizami of Ganja

by Caroline Sawyer

Nizami of Ganja (c.1140-c.1209) is the pen-name of Jamal al-Din Abu Muhammad Ilyas. ("Ganja" is the name of the town in Azerbaijan where the author spent most of his life.) In general, Nizami worked independently rather than forming an association with the court of any particular ruler. He did dedicate several of his works to local princes, for which he was compensated by a modest gift or fee. Nizami was orphaned in childhood, yet his poetry gives evidence of an excellent education in a wide range of subjects. He married three times, remaining monogamous each time, despite the allowance in Islam for simultaneous marriage to more than one wife. "Khusraw and Shirin" (also spelled "Khosrow and Shirin") is one of five romantic poems composed by Nizami for the collection *Khamsa* ("The Quintet"). Of the five, "The Treasury of Secrets" and "Seven Portraits" are original stories. The remaining three—"Layla and Majnun," "The Story of Alexander the Great," and "Khusraw and Shirin"—are tales adapted from the Arabic, Greek, and Persian traditions. Nizami wrote the most renowned account of the romance of Khusraw and Shirin, apparently to honor his beloved wife Afaq as well as his pre-Islamic heritage.

## Events in History at the Time the Romance Takes Place

**The Sasanian past.** "Khusraw and Shirin" is set during the reign of the Sasanian kings of Persia, the last line of Persian kings (ruled 226-651 C.E.) before the Arabs conquered Persia in 640 C.E. At

### THE LITERARY WORK

A romance set in Persia c. 600 C.E., completed in Persian (as *Khusraw va Shirin*) around 1180; the first surviving manuscript dates from 1362; first published in English in 1975.

### SYNOPSIS

Khusraw, a Persian prince, dreams that his dead grandfather makes four predictions, all of which come true. The fulfillment of the last one, that he will marry Shirin, is delayed for years, during which the couple's personal qualities are tested.

the height of its power, the Sasanian empire stretched from Mesopotamia (the lands around the Tigris and Euphrates rivers in present-day Iraq), to modern Afghanistan, to the Persian Gulf and the Indian Ocean, and its armies made incursions as far west as Palestine and Egypt. For several centuries the Sasanians, whose official religion was Zoroastrianism, competed with the Christian Byzantine Empire to the west. The Sasanian-Byzantine rivalry broke into full-scale war at times, but there was also considerable cultural exchange between the two.

The Sasanians made their capital in Ctesiphon (Tisfun), at the mouth of the Tigris River, some 20 miles southeast of today's central Baghdad; Ctesiphon is now in ruins, but in Sasanian times it was a thriving cosmopolitan center. Along with a majority of Zoroastrians, the city had communities

Hatife 080854  
Nizami 140524

Hüseyin ve Şirin 086676

17 Kasım 2016

D 3632



### بررسی شیرین و خسرو هاتفی در مقایسه با خسرو و شیرین نظامی

مرضیه راغبیان<sup>۱</sup>

دکتر احمد امین<sup>۲</sup>

#### چکیده

منظومه خسرو و شیرین، یکی از پنج گنج نظامی است که شاعران توانمند بسیاری پس از او، کوشیده‌اند به نظیره‌پردازی این اثر بپردازند. مولانا عبدالله هاتفی خرجردی، از شاعران اواخر دوره تیموری و اوایل عصر صفوی، از توانمندترین نظیره‌پردازان و مقلدان نظامی است که شیرین و خسرواش را به تقلید از خسرو و شیرین نظامی، سروده است. این اثر، در بین سایر شیرین و خسروهای سروده شده پس از نظامی، شباهت زیادی به خسرو و شیرین نظامی دارد. همچنین هاتفی را در مقایسه با سایر مقلدان نظامی، باید از جمله شاعران توانمند به شمار آورد و اثرش را از برترین خسرو و شیرین‌های سروده شده در ادب پارسی شمرد. تاکنون مقالات و بررسی‌های زیادی در مورد خسرو و شیرین نظامی و برخی از نظیره‌پردازان او صورت گرفته است و اغلب، این آثار را از نظر عناصر داستان بررسی کرده‌اند، اما به شیرین و خسرو هاتفی، کمتر توجه شده است. در این مقاله، افزون بر بررسی روند داستان، با در نظر گرفتن تمام رخدادها و مقایسه روایت دو شاعر از این نظر، به شخصیت‌های اصلی و فرعی دو اثر و اختلاف پردازش دو شاعر به این شخصیت‌ها، پرداخته‌ایم.

کلیدواژه: خسرو و شیرین، نظامی، هاتفی، بررسی سیر داستان، بررسی شخصیت‌ها

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی. پست الکترونیکی: ma.raghebain@yahoo.com  
۲. عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهرکرد.

#### مقدمه

#### الف - خسرو و شیرین نظامی

خسرو و شیرین، سروده حکیم ابومحمد الیاس بن یوسف نظامی گنجه‌ای (۵۳۰ - ۶۱۴ هـ ق) است. حکیم را به سبب سرایش پنج گنجش، باید بزرگ‌ترین شاعر داستان‌های عاشقانه در ادب پارسی به شمار آورد که با سرودن دو منظومه بی‌مانند خسرو و شیرین و لیلی و مجنون در حوزه داستان‌های عاشقانه، بر آثار پیش و پس از خود، انگشت کشیده است. او خسرو و شیرین را به بحر هزج مسدس مقصور و محذوف، در ۶۵۰ بیت سروده. این منظومه که به سال ۵۷۶ هـ ق یعنی دوران پختگی قریحه شاعری وی سروده شده، به ظاهر جهت جلوس «طغرل بن ارسلان سلجوقی»، به وی تقدیم شده است، اما هدف اصلی از سرایش این منظومه را باید یادکردی از همسر از دست رفته‌اش، «آفاق» دانست. به این ترتیب سخن نظامی در این منظومه از دل برآمده و به همین سبب چنین دلنشین و ماندگار شده است.

#### ب - خسرو و شیرین در منابع پیش از نظامی

قبل از نظامی نیز به خسرو و شیرین و داستان این دو، اشاره شده است. داستان شیرین متعلق به اواخر دوره ساسانی و بیانگر فرهنگ و آیین‌های آن روزگار است. «قطعاتی از این حکایت در کتاب المحاسن و الاضداد منسوب به جاحظ ذکر شده. ابومنصور ثعالبی در غرر الاخبار و ابوعلی مسکویه در ندیم الفرید و ابن نباته در شرح العیون، هر یک از این حکایت، شرحی نوشته‌اند...»<sup>۱</sup>

طبری در تاریخ الامم و الملوک، جاحظ در المحاسن و الاضداد و ثعالبی در غرر اخبار ملوک الفرس به شیرین اشاره کرده‌اند و فردوسی داستان را با تفصیل بیشتری نقل کرده است.<sup>۲</sup> البته در این آثار، شیرین کنیزکی ارمنی است، اما در روایت نظامی تبدیل به شاهزاده‌ای بر صدر نشسته شده است. خسرو دوم ساسانی، چه در تاریخ و چه داستان‌های غنایی، تقریباً چهره‌ای یکسان دارد. از فرهاد نیز در منابع مذکور سخنی نمی‌رود، مگر در روایت بلعمی و مجمل التواریخ که به عنوان مهندس کوه‌تراش و عاشق شیرین معرفی شده است.<sup>۳</sup>

قبل از نظامی، منظومه‌هایی نیز از داستان خسرو و شیرین سروده شده است؛ مانند منظومه‌ای از رودکی و ابوشکور بلخی که از آنها فقط ابیاتی در فرهنگ‌ها و تذکره‌ها باقی مانده و اصلشان از بین رفته و از چگونگی آنها، اطلاعی در دست نیست.

از جمله منظومه‌هایی که نظامی در سرودن خسرو و شیرین بدان‌ها نظر داشته و اکنون در دست است، یکی روایت فردوسی است در شاهنامه از حکومت خسرو پرویز که بخشی از آن به رابطه این دو شخصیت مربوط است؛ اما همان گونه که نظامی خود نیز در آغاز داستان خسرو و شیرین بیان کرده، ضمن پیش رو

۱. به نقل از دیوان قصاید و غزلیات نظامی، تصحیح استاد سعید نفیسی، ص ۳۸۱ - ۳۸۵.

۲. آیتی، داستان خسرو و شیرین نظامی گنجوی، مقدمه: ص بیست و شش.

۳. محمدی افشار و اوپسی، «مقایسه سه قهرمان خسرو و شیرین نظامی با دو نظیره آن (شیرین و خسرو امیرخسرو دهلوی و عبدالله هاتفی)»، کتاب ماه ادبیات، شماره ۷۴ (پیاپی ۱۸۸)، ص ۳۵.

MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

20 Eylül 2014

- 15666 RUYMBEKE, Christine van. A thrice-pierced pearl:  
three re-writings of the story of Khosrow and Shīrīn.  
*Reflections on knowledge and language in Middle  
Eastern societies*. Ed. Bruno De Nicola, Yonatan  
Mendel and Husain Qutbuddin. Newcastle upon Tyne:  
Cambridge Scholars Publishing, 2010, pp.14-31. (In  
Ferdūsī's, in Nezāmī's and finally in Amīr Khosrow  
Dehlavī's works, highlighting structural differences.)
- 14 Eylül 2014  
081676  
Nizamiyi Garau  
140524  
Nasir-i Husein  
140134  
Firdousi  
060414

Hesrev ve Şîrîn (081676)

**خسرو و شیرین**، دومین مثنوی از مثنویهای پنج گانه ( = پنج گنج) نظامی گنجه‌ای، که پس از مثنوی مخزن الاسرار (ه م) سروده شده است.

خسرو و شیرین داستانی است عاشقانه که نظامی، نخستین بار در دوران اسلامی ایران روایت‌های آن را - که مربوط به دوران پیش از اسلام تاریخ ایران است - گردآورده، و در ۶۵۰۰ بیت در بحر هزج مسدس محذوف (مقصور) (= مفاعیلن مفاعیلن فعولن [قعولان]) منظوم ساخته است. او کار سرودن این اثر را در ۵۷۶ ق/ ۱۱۸۰ م به پایان برده، و آن را به اتابک شمس‌الدین محمد جهان‌پهلوان بن ایلدگز (حک ۵۶۸-۵۸۱ ق/ ۱۱۷۳-۱۱۸۵ م) تقدیم کرده است (ص ۱۸). نظامی پس از ۵۷۶ ق، در سروده خود تجدیدنظری کرده، و افزون بر نام جهان‌پهلوان، نام طغرل بن ارسلان سلجوقی (حک ۵۷۱-۵۹۰ ق/ ۱۱۷۵-۱۱۹۴ م) و نام قزل‌ارسلان بن ایلدگز (حک ۵۸۱-۵۸۷ ق/ ۱۱۸۵-۱۱۹۱ م) را نیز آورده است (ص ۱۵، ۲۵؛ نیز نک: صفا، ۸۰۲/۲).

**خلاصه داستان:** داستان خسرو و شیرین به اواخر دوران ساسانی، یعنی دوره خسرو پرویز (سل ۵۹۰-۶۲۸ م)، مربوط است و گزارش‌هایی از آن در آثار مختلف دوران اسلامی، از جمله در شاهنامه (نک: فردوسی، ۲۵۹/۸، المحاسن و الاضداد (نک: ص ۱۹۸)، و غرر اخبار ملوک الفرس (نک: ثعالبی، ۶۹۱، بی) آمده است.

داستان از آنجا آغاز می‌شود که خسرو، هنگام بازگشت از شکار، در مزرعه‌ای به عسرت می‌نشیند، شب را در کلبه درویش به صبح می‌آورد، اسبش کشتزار سرسبز دهقانی را می‌چرد، غلامش غوره دهقان را تباه می‌کند و اطرافیان، به تعبیر سعدی (غزل ۲۲۶، بیت ۴)، بساط سبزه را به پای نشاط لگدکوب می‌کنند و آواز چنگش هم به گوش نامحرمان می‌رسد. پدرش، هرمز، برای اجرای عدالت دستور می‌دهد تا اسبش را پی کنند، غلامش را به صاحب غوره بدهند، اسباب عیشش را به درویش صاحب‌خانه ببخشند، و ناخن چنگی‌اش را بشکنند (نک: ص ۴۳-۴۷).

خسرو که تسلیم عدالت‌گستری پدر شده، و بزرگان را به شفاعت نزد پدر برانگیخته است، شبی نیای خود، انوشیروان، را به خواب می‌بیند که او را به بهره‌مند شدن از ۴ نعمت بشارت می‌دهد: به دلارامی شیرین‌نام، اسبی شیدیزنام، خنیاگری باریدن‌نام، و تختی طاق‌دیس‌نام (نک: ص ۴۷-۴۸). خسرو که منتظر است تا خوابش تعبیر شود، روزی از ندیم جهان‌دیده خود، شاپور، قصه مهین‌بانو، شاه ارمنستان، و دخت زیبای برادرش، شیرین، و اسب بی‌همتای او، شیدیز را می‌شنود و خواب خود را تعبیر شده می‌بیند و نادیده دل به شیرین می‌دهد و شاپور را در طلب شیرین به ارمنستان می‌فرستد. شاپور که نقاشی چیره‌دست نیز هست، با کشیدن تصویر

سروده شده است (ابن فوطی، الحوادث ... ۱۵۰؛ صفدی، همانجا؛ ذهبی، تاریخ ... ۱۲۵/۴۸؛ ابن‌شاکر، قنات ... ۲۵۸/۲، سبط ابن‌جوزی، ۷۹۳/۸).

خسروشاهی افزون بر مطالعات فقهی و کلامی در طب نیز تبحر داشت (ابن ابی‌اصیبه، ۲۸۳/۱)؛ نیز نک: سامرای، ۹۰). هم‌عصران وی او را با القاب احترام‌آمیز یاد کرده‌اند (ابن ابی‌اصیبه، همانجا؛ عماری، ۲۰۸). آنچه بیش از هر چیز باعث شهرت خسروشاهی شده، نامه‌ای است از خواجه نصیرالدین طوسی برای او که در آن ۳ سؤال فلسفی طرح شده است. خواجه نصیر در نامه‌ای که متن آن برجا مانده است (ص ۲۶۵-۲۶۶؛ نیز نک: صدرالدین، ۱۶۳-۱۶۴) از خسروشاهی می‌پرسد: چگونه ممکن است که حرکت مشخصی علت وجود زمان شود؟ چرا برخی فلاسفه با وجود اینکه به فناء روح انسانی عقیده ندارند، آن را حادث می‌دانند؟ و آخرین سؤال اینکه چگونه از علتی یگانه، موجودات چندگانه صادر می‌شود؟ گرچه پاسخی از خسروشاهی برای این سؤالات در دست نیست، طرح این سؤالات برای خسروشاهی نشان از شأن علمی او بوده است.

خسروشاهی چند اثر فقهی، کلامی و فلسفی را بازنویسی کرده است؛ تلخیص المذهب فی الفروع، اثر ابواسحاق شیرازی فقیه شافعی (د ۴۷۶ ق/ ۱۰۸۳ م) و تلخیص الآیات البینات اثر فخرالدین رازی با نام تمة الآیات البینات از این شمارند (حاجی خلیفه، ۲۰۴/۱، ۱۹۱۳/۲؛ بغدادی، ۵۰۶/۱). تلخیصی نیز از بخش منطق کتاب شفا فی ابن‌سینا از این نویسنده امروزه در دست است (مرکزی، ۳۰۹-۳۱۰؛ حاجی خلیفه، ۱۰۵۵/۲؛ بغدادی، همانجا).

مآخذ: ابن ابی‌اصیبه، احمد، عین الانباء، بیروت، ۱۹۵۷ م؛ ابن‌شاکر کتبی، محمد، عین التواریخ، به کوشش فیصل سامی، بغداد، ۱۹۸۰ م؛ همو، قنات الوقیات، به کوشش احسان عباس، بیروت، ۱۹۷۴ م؛ ابن‌عبری، غریغریوس، تاریخ مختصر الدول، به کوشش انطون صالحانی، بیروت، ۱۹۸۳ م؛ ابن‌فوطی، عبدالرزاق، الحوادث الجامعة، بیروت، ۱۹۷۸ م؛ همو، مجمع الآداب، به کوشش محمد کاظم، تهران، ۱۴۱۶ ق؛ ابن‌کثیر، البدایة؛ بغدادی، هدیه؛ حاجی خلیفه، کشف؛ ذهبی، محمد، تاریخ الاسلام، به کوشش عبدالسلام تدمری، بیروت، ۱۹۹۹ م؛ همو، العبر، به کوشش صلاح‌الدین منجد، کویت، ۱۹۶۶ م؛ سامرای، کمال، مختصر تاریخ طب العربی، بیروت، ۱۴۱۰ م؛ سبط ابن‌جوزی، یوسف، مرآة الزمان، حیدرآباد دکن، ۱۳۷۰ ق/ ۱۹۵۷ م؛ سبکی، عبدالوهاب، طبقات الشافعیة الکبری، به کوشش محمود محمد طناحی، قاهره، ۱۳۴۸ ق؛ صدرالدین شیرازی، محمد، مجموعه رسائل فلسفی، به کوشش حامد ناجی اصفهانی، تهران، ۱۳۷۵ ش؛ صفدی، خلیل، الوافی بالوقیات، به کوشش قزاد امین، اشتوتگارت، ۱۹۸۸ م؛ عماری، علی محمد حسن، الامام فخرالدین رازی، حیات و آثاره، امارات، ۱۳۸۸ ق/ ۱۹۶۹ م؛ مرکزی، میکروفیلها؛ منهاج سراج، عثمان، طبقات ناصری، به کوشش عبدالرحی حبیبی، کابل، ۱۳۴۳ ش؛ نصیرالدین طوسی، اجریة المسائل النصیریة، به کوشش عبدالله نورانی، تهران، ۱۳۸۳ ش؛ یاقوت، بلدان.

**خسرو فیروز**، نک: آل‌بویه.

Higami-yi Gencevi  
140524  
Hüsrev u Şirin  
081 676

تو در کشتی فکن خود را مپای از بهر تسییحی  
که خود روح القدس گوید که بسم الله مجریها  
سنایی



بهارستان

فصلنامه اسناد، مطبوعات و متون  
دوره دوم، سال چهارم، شماره شانزدهم، تابستان ۱۳۹۱

صاحب امتیاز: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

مدیر مسئول و سردبیر: رسول جعفریان

مدیر اجرایی و دبیر تحریریه: کاظم آل‌رضا امیری

مدیر هنری: رضا سفیدکوهی

ویراستار: مرضیه راغبیان

حروفچینی: آذر سرخانی

لیتوگرافی: نقره‌آبی

چاپ جلد و متن: نقره‌آبی

ناظر چاپ: نیکی ایوبی‌زاده

مقالات مندرج در پیام بهارستان، مبین آرای نویسندگان آنهاست

پیام بهارستان در ویرایش مطالب آزاد است

استفاده از مطالب پیام بهارستان با ذکر منبع آزاد است

نشانی: تهران - میدان بهارستان - کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

کدپستی: ۱۱۵۷۶۱۳۴۱۱

تلفن: ۰۲۱ - ۳۳۱۳۷۸۰۳

دورنگار: ۰۲۱ - ۳۳۱۲۹۲۸۵

سایت: www.ical.ir

ایمیل: Payam@ical.ir

## مقایسه خسرو و شیرین نظامی و خسرو و شیرین شعله نیریزی (با نگاهی به نسخه‌های این اثر)

زینب علیزاده<sup>۱</sup>

درآمد

نظامی شاعر بزرگ ایران زمین، یکی از ارجمندترین شاعران در عرصه شعر غنایی و داستان‌پردازانه است. او منظومه هنرمندانه و با شکوه خسرو و شیرین را در نیمه دوم قرن ششم هجری حدود (۵۷۶-۵۷۷ه.ق) سروده است.

شکی نیست که نظامی شاعری سخن‌سنج، خوش قریحه و زبان‌آوری است که آثارش در مرتبه بالایی شعری و حتی داستان‌پردازی منظوم قرار دارد. این دو ویژگی، چندان با اهمیت است که از قرن شش به بعد، افرادی بخواهند خود را به هنر او نزدیک کنند یا از او تقلید نمایند. البته خود نظامی نیز در سرودن برخی آثارش مانند خسرو و شیرین، تحت تأثیر دیگران بوده است؛ برای نمونه خسرو و شیرین داستانی بوده که میان مردم رواج داشته و فردوسی آن را به نظم در آورده و پس از مدتی، نظامی نیز آن را به رشته نظم کشیده است. اما تفاوتی که میان پرداخت فردوسی با پرداخت نظامی از این داستان وجود دارد، آن‌قدر آشکار است که نمی‌توان نام تقلید بر آن نهاد. نظامی از دانش زبانی و ذوق هنری خویش در سرایش این اثر بهره می‌گیرد؛ از همین رو کار او به آفرینش تبدیل می‌شود و سبکی جدید از داستان سرایی منظوم می‌آفریند. شاعران پس از او برای قدرت‌نمایی هنری هم که شده، به تقلید از او دست می‌زنند و برخی هم تحت تأثیر او و با مایه هنری و زبانی خود، به پرداخت جدیدی از این داستان زیبا می‌پردازند.

باید در نظر داشت که اشعار اقتباس شده از مثنوی‌های نظامی، از ارزش این شاعر برجسته نمی‌کاهد، زیرا

۱. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی.

06 Mart 2016  
MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

081676

## HÜSREV ve ŞİRİN

- 
- 1 ÖZLEM GÜNEŞ, Fahrî'nin Husrev u Şîrîn'i (metin ve tahlil), Nizâmî ve Şeyhî'nin eselerleriyle karşılaştırılması, İstanbul Üniversitesi, Doktora, 2010
  - 2 ÜLKÜ ÇETİNKAYA, Aşk mesnevilerinde kadın: Yusuf u Züleyha ve Husrev ü Şirin mesnevileri, Ankara Üniversitesi, Doktora, 2008

-Hüsrev ve Şirin (155)  
-Ferhad ve Şirin (157)

1.5.107- İran ve Türk Edebiyatında Hüsrev ü Şirin ve Ferhad ü Şirin, Şükrü İbrahim, İÜ. EF. TDEB., (BT. 72), İstanbul 1931-32, 50+4+29 s.  
Bitirme (Mezuniyet) tezi.

26 HAZİRAN 1996

-Hüsrev ve Şirin  
-Ferhad ve Şirin

3.55- İran Edebiyatında Hüsrev ü Şirin ve Ferhad u Şirin Hikâyesi, Faruk K. Timurtaş, TDED. XI, (İstanbul 1959): 65-89.

25 HAZİRAN 1996

19 OCAK 2007

264 KHAMIS, Ulrike al-. Khusrau Parviz as champion of Shi'ism? A closer look at an early Safavid miniature painting in the Royal Museum of Edinburgh. *The iconography of Islamic art: studies in honour of Robert Hillenbrand*. Edited by Bernard O'Kane. Edinburgh: Edinburgh University Press, 2005, pp.201-209. + plates 22-23 between pp.208-209. [Safavid re-interpretation of episode from Nizami's *Khusraw wa Shirin*.]

Hüsrev ve Şirin

MADDE TAYINILANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

Hüsrev ü Şirin

HÜSREV Ü ŞİRİN

Türkçüyat Ter. 72

-Nizami-i Ganjavi  
-Hüsrev ü Şirin

471. [NIZAMI GANJAWI. *Chosrou und Schirin*. Übertragung aus dem Persischen, Nachwort und Erläuterungen von J. C. BÜRGEL. Zürich, 1980, 392 p. Meisterwerke persischer Literatur. Persian Heritage Series, 36. Bibliotheca Persica. Manesse Bibliothek der Weltliteratur.]

12 OCAK 1994

4153. Sa'idi Sirgani, 'Ali Akbar: Simā-i dū zān: Şirin ve Lailā dar Hamsa-i Nizāmī-i Ganjawi / ba-kūsis-i Sa'idi Sirgani. - Cāp 2. - Tih-rān, [1988] = 1367 h.s. - 195 S. Inhalt: Schirin u. Lailā in d. Hamsa Nizāmīs. - In arab Schrift, pers. HAMSE  
LETRA-OMBO  
HÜSREV  
ve Şirin  
30 A 5915

P

HÜSREV Ü ŞİRİN

07 TEMMUZ 1992

Abū Ḥadīd, Muḥammad Farīd.  
Qiṣṣat Khusraw wa-Shīrin. — (Cairo, 1924?)  
134 p.  
Author heading supplied by Harvard University Library.  
Arabic  
I. Title.  
MH  
nec 10-4224

Levent, Ağâh Şirri

"Ahmet Rıvan'ın Hüsrev-i Şirin'i.  
Türk Dili Anahromaları Yıllığı, Ankara  
1966 ss. 215-258

Hüsrev-i Şirin

1.5.104- Hüsrev ü Şirin, Ahmet Hamdi Tanpınar. İÜ. EF. TDEB., (BT. 4), İstanbul 1339, 94 s.

Bitirme (Mezuniyet) tezi.

06 HAZİRAN 1996

6339 ALIEV, G. Yu. Rannie khristianskie istochniki legendui o Khosrove i Shirin. (Early Christian sources of the legend about Khusraw and Shirin.) *Sov. Vost.* 1957 (6), pp. 87-96; English summary, p. 96

Hüsrev-i Şirin

07 TEMMUZ 1992  
HÜSREV Ü ŞİRİN

Amir Khusraw Dihlavi, ca. 1253-1325.  
(Shirin va Khusraw)  
Khusraw va Shirin / Khusraw Dihlavi.  
276 p.  
Persian manuscript; incomplete.  
I. Title.  
MH  
nec 3-19417

Amir Khusraw Dihlavi, ca. 1253-1325.  
Shirin va Khusraw / Amir Khusraw Dihlavi : matn-i intiqādi va muqaddamah bi-qalam-i Ghazanfar 'Al'i'yif. — Moscow : Idārah-i Nashariyati-i Adabiyati-i Khāvar, 1961.  
382, 17 p. ; facsim. ; 23 cm. — (Silsilah-i Āsar-i adabi-i milali Khāvar. Mutn : Siri-i kochik ; 12)  
Added tp. in Russian.  
Persian; introd. in Russian.  
I. Aliev, Gazanfar (D. II. Title.  
MH MiU OrPs UU  
nec 3-19415

Amir Khusraw Dihlavi, ca. 1253-1325.  
Shirin va Khusraw / Amir Khusraw Dihlavi : matn-i intiqādi va muqaddamah bi-qalam-i Ghazanfar 'Al'i'yif. — Izd. 2., stereotipnoe. — Moscow : Idārah-i Intishāri-i Dānish, 1966.  
382, 17 p. ; 23 cm. — (Ākādīm-i 'Ulūm-i Itihād-i Shūrav. Silsilah-i Āsar-i adabi-i milali Khāvar. Mutn : Siri-i kochik ; 12)  
At head of title: Inamti-yi Milali-Āsiya.  
Added t.p.: Amir Khusrau Dihlavi. Shirin i Khusrau.  
Reproduced from ms. copy.  
Persian; introd. in Russian.  
I. Aliev, Gazanfar (D. II. Title.  
MH MiU OrPs UU  
PK6451.A59S5 1966 76-213919 nec 3-19416  
DLC InU MaU UU

16842 FLEMMING, BARBARA. "Fahris Husrev u Sirin von Jahre 1367: Eine vergessene türkische Dichtung aus der Emiratszeit." ZDMG 115, hft. 1 (1965) 36-64.

25 SUBAT 1992

Persidskiĭ manuskript' s' risunkami, Muzeĭa Odesskago Obshchestva Drevnostei: (Khosrev' ve Khirine). Zapiski odesskago obshchestva istorii i drevnostei 13 (1883), pp. 265-268.  
HÜSREV VE ŞİRİN

12 OCAK 1994

4153. Sa'idi Sirgani, 'Ali Akbar: Sima-i du zan: Sirin wa Laila dar Hamsa-i Nizami-i Gangawi / ba-kusis-i Sa'idi Sirgani. - Cap 2. - Tihran, [1988] = 1367 h.s. - 195 S.  
Inhalt: Schirin u. Laila in d. Hamsa Nizamis. - In arab. Schrift, pers.  
080477  
HAMSE  
LEKA-EMED  
HÜSREV  
30 A 5915  
116 SIRIN

92-855001

Qubadi, Khana.  
Khosrau wa-Shirin-i Khana Qubadi:  
saghkrdnawa wa-kokrdnawa-y Şidi Borekai  
(Şafizade). -- Chap-i 1. -- [Tehran]:  
S.B.Şafizade, 1369 [1990].  
330, p.; ill.: 24 cm.  
In Kurdish; romanized record.  
Poetry.  
Title on p. [4] of cover: Khosrow ve Shirin  
Khanai Ghobadi.

3.114- Türk Edebiyatında Hüsrev ü Şirin ve Ferhad ü Şirin Hikâyesi, Faruk K. Timurtas, TD. IX, (İstanbul 1959): 65-88.

10 TEMMUZ 1996

HÜSREV  
VE ŞİRİN  
5782. Flemming, Barbara: Fahris Husrev u Sirin: e. türkische Dichtung von 1367 / Barbara Flemming. - Wiesbaden: Steiner, 1974. - 486 S. - (Verzeichnis der orientalischen Handschriften in Deutschland (Suppl.-Bde). 15)  
Enth. ausserdem: Husrev u Sirin [Einheitssacht.: Husrev u Sirin] / Fahri. - Zugl.: Hamburg, Hab.-Schrift.  
ISBN 3-515-01829-8 1 B 376;SUPPL-15

26 SUBAT 1994

5914. Firdausi: Husrau wa Sirin: az Şahnāma-i Firdausi. -- Cap 1. -- [Tihran]: Intişarat-i Pirasta, [1990] = 1369 h.s. - 79 S.  
Einheitssacht.: Şahnāma. - Inhalt: Die Erzählung von Chosrou und Schirin aus dem Schahname. - In arab. Schrift, pers.  
32 A 15126

7966 FLEMMING, B. Fahris Husrev u Sirin vom Jahre 1367. Eine vergessene türkische Dichtung aus der Emiratszeit. ZDMG 115 (1965), pp. 36-64

Hüsrev u Sirin

180 OCAK 1993

25 HAZ 2007

2206. Tarwat, Mansur: Yādgār-i gunbad-i dawwār: talhīs wa tahlīlī az Husrau wa Sirin-i Nizami / ta'lif-i Mansur Tarwat. - Cap 1. - Tihran: Amir Kabir, [1991] = 1370 h.s. - 100 S.  
Inhalt: Zusammenfassung von Nizamis Chosrou und Schirin. - In arab. Schr., pers.  
081076  
HÜSREV  
VE ŞİRİN  
- NİZAMİ  
10 E 2884

492 YOLTAR-YILDIRIM, Aysin. A 1498-99 Khusraw va Shirin: turning the pages of an Ottoman illustrated manuscript. Muqarnas: an Annual on the Visual Culture of the Islamic World, 22 (2005) pp.95-109.

10 SUBAT 1996



772 WOOD, Barry D. Khusraw and Shirin. *Palace and mosque: Islamic art from the Middle East* / Tim Stanley. London: V&A, 2004, pp.66-67. [The illustrated Persian manuscript in the V&A, 17th century. Article is mostly illustrations.]

23 OCAK 2009

MADDE YAYINLAMA TAN  
SONRA HELEN BURKMAN

423. FLEMMING, B. Fahrîs Hüsrev u Şîrîn [s. TA 1.310, 2.289, 3.361, 5.399.]  
Rez.: S. KLEINMICHEL, *OLZ* 74.1.1979.65-67. — Z. VESELA-PRENO-SILOVA, *ArOr* 46.4.1978.376-377.

Tavukçu, O. Kemâl. "Türk edebiyatında Hüsrev ü Şîrîn mesnevileri: inceleme." Doktora Tezi. Atatürk Üniversitesi, *Devan* (Danışman: Yrd. Doç. Dr. Turgut Karabey) 081676

Hüsrev ve Şîrîn  
- Ferhâd ve Şîrîn

3.56- *Iran Edebiyatında Hüsrev ü Şîrîn ve Ferhâd u Şîrîn Yazan Şairler* Faruk K. Timurtaş, ŞM. IV, (İstanbul 1961): 73-86.

25 HAZİRAN 1996

EDEBİYAT

HÜSREV Ü ŞİRİN

07621 NIZAMI GANJAVI. *Chosrou und Schirin*: Übertragung aus dem Persischen, Nachwort und Erläuterungen von J.C. Bürgel. Zürich: Manesse, 1980. (Meisterwerke persischer Literatur, 36.)

Hüsrev u Şîrîn

310. FLEMMING, Barbara. Fahrîs Hüsrev u Şîrîn, eine türkische Dichtung von 1367. Wiesbaden, 1974, VII + 486 S., 168 Tafeln (Verzeichnis der orientalischen Handschriften in Deutschland, Supplementband 15).

داستان خسرو و شیرین نظامی و ادبیات ترک: بیکدلی،  
غلامحسین  
نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی،  
ش: ۱، س: ۲۱، بهار ۱۳۴۸، ص: ۲۵-۴۰  
ش: ۲ و ۳، س: ۲۱، تابستان، پاییز ۱۳۴۸، ص:  
۱۲۱-۱۴۵

NIZAMI-GENCEVI  
HÜSREV Ü ŞİRİN

16842 FLEMMING, BARBARA. "Fahrîs Hüsrev u Şîrîn vom Jahre 1367: Eine vergessene türkische Dichtung aus der Emiratszeit." *ZDMG* 115, Hft. 1 (1965) 56-64.

G. Şîhrü İbrahim

(H) (F)

Iran ve Türk Edebiyatında

Hüsrev u Şîrîn ve Ferhâd ü Şîrîn

19 KASIM 1982

Türkiyat Enstitüsü, T. 72

424. FLEMMING, Barbara. Beylikler devrinin bir romantik mesnevisi: Fahrî'nin Hüsrev u Şîrîn'i. In: *TA* 6.237.2.325-329. [Ein romantisches Epos aus der Zeit der anatolischen Teilfürsten: Fahrî's Hüsrev ü Şîrîn von 1367.]

081676 - Hüsrev ve Şîrîn

"Die älteste Anatolisch-Türkische Version von Nizâmîs Husrau u Şîrîn: Fahrîs Mesnewi von 1367." Barbara Flemming. Ph.D. Thesis. Hamburg Universität, 1971.

19 NISAN 1993

2280

07 TEMMUZ 1992

Hüsrev ü Şirin  
- Firdousi  
- Şehnâme

11337 ALIEV, G. Y. "The legend of Khosrov and Shirin in Firdousi's *Shahname*." (in Russian) *Uch Zap. Inst. Vost.* 19 (1958) 190-210. The earliest source is not Tabarî, but Jahîz in his *Good qualities and their oppo-*  
*sites.*

31 MART 1994

Hüsrev ü Şirin

07 TEMMUZ 1992

11336 ALIEV, G. Y. "Early Christian sources of the legend about Khosrov and Shirin." (in Russian) *Sov. Vost.* 3 (D '57) 87-96. Greek, Armenian, and Syriac data on the hero (of over 60 poetical works). Shirin probably spoke Aramaic.

954. Nizâmî: Chosrov i Şirin / Nizami Gjandzevi. Per. - NIZAMI, Konstantina Lipskerova pod red. E. E. Bertel'sa. - Baku: Azerb. Gosud. İzd., 1947. - XXIV, 269 S. : Ill. Einheitssacht.: Husrav wa-Sirin (russ.). - Parallelsacht.: Chosrov va Sirin. - In kyrill. Schrift. - Teilausg. von Nizâmî: Hamsa 28 A 1381

12 OCAK 1994

4153. Sa'îdî Sîrgânî, 'Alî Akbar: Simâ-i dû zân: Şirin wa Lailâ dar Hamsa-i Nizâmî-i Gangawî / ba-kûşîş-i Sa'îdî Sîrgânî. - Câp 2. - Tîhrân, [1988] = 1367 h.ş. - 195 S. Inhalt: Schirin u. Lailâ in d. Hamsa Nizâmîs. - In arab Schrift. pers. 30 A 5915

21 ARALIK 1991

74766 SALEM, J. "Khosrow et Chirin de Nezami: 'roman de formation' et itineraire d'ames." *Les Cah. de l'O.*, no. 5 (1987) 181-207.

399. FLEMMING, Barbara Fahrîs Hüsrev u Şirin [s. TA 1.310, 2.289, 3.361]. Rez.: Hans MÜLLER, *Mundus* 12.1.1976.9-10. — Klaus RÖHRBORN, *ZDMG* 128.1.1978.210.

Fahrîs (1020/1-1077)

424. FLEMMING, Barbara Beylikler devrinin bir romantik mesnevisi: Fahrînin Hüsrev u Şirin'i. In: TA 6.237.2.325-329. [Ein romantisches Epos aus der Zeit der anatolischen Teilfürsten: Fahrî's Hüsrev u Şirin von 1367.]

EDİBİYAT

EMİR HÜSREV DİHLEVİ  
ŞİRİN Ü HAMSREK

13169 IMAMNAZAROV, M. Osnovnaya statisticheskaya struktura leksiki poemy "Shirin i Khosrov" Amira Khosrova Dekhlavi. *Vostochnoe yazykoznanie*, Moskva, 1976, pp. 98-106.

Hüsrev Hamsrekin  
Şirin ü Hamsrekin

289. FLEMMING, B. Fahrîs Hüsrev u Şirin [s. TA 1.310]. Rez. John R. WALSH, *WZKM* 67.1975.331-334. — Vančo BOŠKOV, *Izraz* 19.11-12.1975.562-565. — Andreas TRETZE, *Islam* 53.1.1976. 165-167.

Caşık İbnü'l-Tiklaka

423. FLEMMING, B. Fahrîs Hüsrev u Şirin [s. TA 1.310, 2.289, 3.361, 5.399]. Rez.: S. KLEINMICHEL, *OLZ* 74.1.1979.65-67. — Z. VESELA-PRENO-SILOVA, *ArOr* 46.4.1978.376-377.

6606 KRENN, H. Bemerkungen zu Versen von Nizâmîs Epos "Hosrou und Shirin". *WZKM* 53 (1956), pp. 92-96

Hüsrev ü ŞİRİN  
NİZAMÎ

Nizâmînin "Hüsrev ve Şirin" hikâyesinin azərbaycan dilində tərcüməsi

254. HATEFI, 'A. *Şirin va Xosrow*, éd. critique et introd. (persan et russe) par Saadollah Asadollahyef. Moscou, Dâneş, 1977, lx-164-46 p. Akad. Nauk SSSR, Inst. Vostok.

HATEFI?  
HÜSREV Ü ŞİRİN

C'est la première fois qu'est édité ce masnavi de Hâtefi, roman versifié qui s'insère dans la chaîne des imitations originales du roman de Nézâmî, *Xhosrow et Chirine*. L'éditeur disposait de la photo du manuscrit du British Museum (Rieu, *Supplement*. 295, Or. 2867), écrit en 906/1500 par le célèbre copiste Solţân Moĥammad Nur, qui a travaillé avec Behzâd.

373. ORSATTI, Paola. « Le poème Xosrow va Širin de Nezāmi et ses répliques par Amir Xosrow et Jamāli ». *Studia Iranica*, 32, (2003), pp. 163-176.

Analyse des deux plus anciennes répliques du poème de Nezāmi, *Širin va Xosrow* d'Amir Xosrow Dehlavi (fin 13<sup>e</sup> s.) et *Mehr va Negār* de Jamāli (début 15<sup>e</sup> s.). Ces deux imitations relèvent de différents types d'intertextualité. Dans le premier cas, il s'agit de *nazīre*, une similitude avec le modèle dans le traitement du sujet et des personnages comme dans les éléments formels. Dans le second cas, il s'agit du *javāb* : l'A. reprend le même mètre et préserve les traits essentiels du récit, mais crée d'autres personnages et les insère dans un contexte différent. Dans les deux cas, ces "imitations" sont en réalité des créations originales, où les modifications introduites dans la trame narrative et le caractère des personnages correspondent au discours que chaque auteur développe sur les thèmes de l'amour, de la royauté et de la maîtrise des passions, souvent en opposition avec ses prédécesseurs.

E.F.

Xosrow va  
Širin

163-176

ثالثاً: المراجع الأجنبية :

- Ayalon, D., "Aspects of the Mamluk Phenomenon Ayyubids, Kurds and Turks. in The Mamluk Military Society. Collected studies, London, 1979.
- Elisseeff, Nikita, Nur-Ad-Din. Un grand prince Musulam de Syrie au temps des Croisades (511-569H/1118-1174) 3 Tomes. Damas 1967.
- Gibb, H., "The Armies of Saladin" in Studies on The Civilization of Islam. London - Boston 1962.
- Grousset, R., Histoire des Croisades, T. III, Paris 1937.
- Macdonald, D.B., "Hakkari" in Ency. of Islam, Vol. 3, New Edition, Brill, London 1986.
- Minorsky, "Notes on Kurds Under The Ayyubids" In Studies in Caucasian History pp. 139-146, London 1953.
- Salah Elbeheiry, Les Institutions de Egypte au Temps des Ayyubides" T. I, L'Organisation de l'armee et les Institutions Militaries. These - dans Faculte de Lettres et Sciences Humaines (Sorbonne) Universite de Paris 1971.
- Schlumberger, G., Campagnes du Roi Amaury 1er De Jerusalem en Egypte Au XII Siecle. Paris 1906.

شخصیت فرهاد

در

داستان خسرو و شیرین

د. / محمد علیاء الدین منصور

حکیم نظامی کنگه ای<sup>(۱)</sup> در ترسیم جانبه های شخصیت فرهاد در داستان خسرو و شیرین پایبند نبود بآنچه در کتب تاریخ دوره ساسانی به دست رسیده یا آنچه درباره تاریخ خسرو پرویز و ماجراهای تاریخ دوره حکمرانی اش تألیف شده<sup>(۲)</sup>، از این بابت است که تحولات بسیاری در فاصله ما بین زمان وقوع ماجراهای این قصه در عهد خسرو پرویز (۵۹۰ - ۶۲۸ م) و زمان تألیف حکیم نظامی در قرن ششم هجری صورت گرفت. کارهای ادبی - هرچه باشد - بدو مؤثر فعال اثر پذیر است. اول: اثر جامعه ای که ادیب در آن نشو و نما یافته و از آن قوام های ادبی و فرهنگی سر چشمه گرفته. دوم: اثر خود این ادیب است ازین لحاظ که ذوقی خاص و طبیعتی معین و سرشتی ادبی مخصوصی دارد که او را از بقیه ادبای همزمان و همسنگ متمیز می کند. غالب فرهنگ جامعه اسلامی در سده ششم هجری، و مسلماً ایران جزء این جامعه محسوب می شود، بر فکر صوفی و عرفانی بر پاشده که از اصول و منابع دگرگونی، خواه از شرق قدیم مثل ایران و هندوستان و خواه از یونان و مصر، بعلاوه تأثیر آشکار اسلام،

## Eski Türk Edebiyatı'nda Hüsrev ü Şirin ve Hüsn ü Aşk

Ahmet DOĞAN\*

*Bulmuş sühan-ı büleld-nâmu  
Fırdevsi vü Hüsrev ü Nizâmî  
Şeyh Gâlib*

### I. "Hüsrev ü Şirin" Literatürü

*Hüsrev ü Şirin*, dinî destanî hikâyelerin ağırlıkta olduğu Eski Türk Edebiyatı'nın ilk dönemlerinde, Genceli Nizâmî'nin hamsesinden alınmış bir mesnevidir. *Leyla vü Mecnun* ve *Yusuf u Züleyha* mesnevileriyle birlikte Türk Edebiyatı'nı etkileyen önemli eserlerden biridir. Eserde anlatılan hikâyenin çekirdeğini, Sasani hükümdarlarından adaletiyle meşhur Nuşirevan'ın torunu ve Hürmüz'ün oğlu Hüsrev-i Perviz'in (590-628) hayat hikâyesi içerisinde geçen bir bölüm oluşturur. *Şehname*'nin müellifi Fırdevsî'ye gelinceye kadar sözlü gelenekte yaşayan bu bölüm, Fırdevsî'nin kaleme almasından itibaren, sonraki yazarlar tarafından defalarca işlenmiş ve büyük bir aşk hikâyesi olarak değer kazanmıştır. İlk defa *Şehnâme*'de manzum olarak işlenen Hüsrev ü Şirin efsanesi daha sonra XI. yüzyılda Senâî tarafından kaleme alınmışsa da eser edebî anlamda ölüm-süzlüğünü XII. yüzyılda Nizâmî ile kazanmıştır. Nizâmî'den sonra da pek çok aşk mesnevisi yazılmasına rağmen onun eseri aşılamamıştır.<sup>1</sup>

Nizâmî'nin son şeklini verdiği mesnevi, İran edebiyatında olduğu kadar henüz oluşum devrini yaşayan Türk Edebiyatı'nda da yüzyıllarca pek çok şair tarafından *Ferhad ü Şirin*, *Ferhadnâme* gibi isimler altında tekrar tekrar işlenmiştir. Bunlar, şair ve eser adı olarak şöyledir: XIV. yüzyıl, Harezmi sahasında Kutb (*Hüsrev ü Şirin*), Anadolu sahasında Fahrî (*Hüsrev ü Şirin*); XV. yüzyıl Çağatay sahasında Ali Şir Nevâî (*Ferhad ü Şirin*), Anadolu'da Şeyhî (*Hüsrev ü Şirin*), Harimî (*Ferhad ü Şirin*); XVI. yüzyılda Sadrî (*Hüsrev ü Şirin*), Ahmed Rudvan (*Hüs-*

\* Arş. Gör., Fırat Üniversitesi, Fen-Edebiyat Fakültesi.

<sup>1</sup> Gönül Alpay, *Ali-Şir Nevâî, Ferhad ü Şirin (İnceleme-Metin)*, Atatürk Üniversitesi Yayınları No: 173, Ankara: Sevinç Matbaası, s. 20.

Husrev ü Şirin  
Ferhad ü Şirin

همجو شبنم آمدند از بحر جود  
هر دو عالم از وجودش نام یافت  
ای زمین و آسمان خاک درت  
در زبام جز ثنای تو مباد  
زامت خویشم شمر این یک سخن  
تا که جان داریم ما تا زنده ایم  
بر در تو کم بضاعت آمدم  
هست دریای شفاعت پیش تو  
تا ز دریای شفاعت یکدمی  
هر دو عالم از طفیلش در وجود  
عرش نیز از نام او آرام یافت  
عرش و کرسی خوشه چین خرمنت  
نقد جام جز وفای تو مباد  
می نمایم هر چه خواهی آن بکن  
بندگانت را بصد جان بنده ایم  
بر امید یک شفاعت آمدم  
آمدم با قحط طاعت پیش تو  
بر لب خشکم چکانی شبنمی  
(۳۶) صلوات الله و سلامه و علی جمیع الانبیاء والمرسلین و آله  
الطیبین الطاهرین. والحمد لله وحده، والسلام علی من اتبع الهدی.

Dergi / Kitap  
Kütüphanede Mevcuttur

12 AGUSTOS 1993

1 || از طفیلش PQ : درطفیلش S برطفیلش B || 3 خوشه : خوش Q || چینم  
چینی S || 5 این P : کین S که Q کن B || خواهی : میخواستی S || 7 بردر : بر تو  
B || 8 باقحط : بر قحط B || 10-11 صلوات الله .... الطاهرین : — IA انه قریب  
حجب B || 10 وآله الطیبین الطاهرین : وصحبه الکرامین Q — T S || 11 والسلام علی  
من اتبع الهدی PIAQB : رب العالمین

İRAN EDEBİYATINDA HUSREV Ü ŞİRİN VE  
FERHAD Ü ŞİRİN YAZAN ŞAİRLER

FARUK K. TİMURTAŞ

Husrev ü Şirin yahut Ferhâd ü Şirin hikâyesi, şark edebiyatlarının en meşhur ve en belli başlı hikâyelerindedir. İran ve Türk edebiyatlarının bu çok yaygın ve çok sevilmiş kıssasında, Sasanî hükümdarlarından Husrev Pervîz (596-628) ile Ermen hükümdarının yeğeni Şirin arasında geçen aşk macerası anlatılmaktadır. Su yolları yapmakta usta bir mühendis ve mimar olan Ferhâd, Şirin'in diğer âşığı ve üçüncü kahraman olarak hikâyede yer almaktadır. Böylece bu üç şahıs ve iki aşk etrafında toplanan ve efsaneleşen vakalar, kıssanın konusunu meydana getiriyor.<sup>1</sup>

Firdevsi'nin *Şehnâme*'sinde, Husrev'in siyasi mücadelesi etraflı anlatıldığı gibi, Şirin ile olan macerası üzerinde de kısaca durulmuştur.<sup>2</sup> Hikâyeyi edebî gayeyle ilk ele alan XII. yüzyılın meşhur İran şairlerinden Senai'dir.<sup>3</sup> Daha sonra Genceli Nizâmi (1141-1203), yarattığı büyük eserle, hikâyeye ölmezlik vasfını kazandırdı. Nizâmî'nin eşsiz eserinden sonra, yüzyıllar boyunca pek çok İran ve Türk şairinin bu konuyu işlediğini görüyoruz.<sup>4</sup>

Bu araştırmamızda İran edebiyatında bu kıssayı nazm etmiş

<sup>1</sup> Hikâyenin tarihî menşei ve tekâmülü için bk. Şükrü İbrahim, *İran ve Türk edebiyatlarında Husrev ü Şirin ve Ferhad ü Şirin*, mezuniyet tezi, *Türkiyat Ens. Ktp. tez nr. 72*, s. 1-7; Faruk K. Timurtaş, *Şeyhi ve Husrev ü Şirin'i*, doktora tezi, 1949, *Türkiyat Ens. Ktp. tez nr. 133*, s. 1-6; Aynı müellif, *Türk edebiyatında Husrev ü Şirin ve Ferhad ü Şirin hikâyesi* (*Türk Dili ve Edebiyatı Dergisi*, IX, 1959, s. 65-69).

<sup>2</sup> *Şehnâme*, Bombay basımı (resimli taş baskı), s. 1051-1076.

<sup>3</sup> Bk. Fevziye Abdullah, *Ferhad ile Şirin* (IA, IV, s. 565).

<sup>4</sup> Türk edebiyatında bu hikâyeyi yazan şairler için bk. Faruk K. Timurtaş, «Husrev ü Şirin» ve «Ferhad ü Şirin» yazan şairlerimiz (*Türk Dili*, Temmuz 1952, s. 15-21); Aynı müellif, *Türk Edebiyatında Husrev ü Şirin ve Ferhad ü Şirin hikâyesi* (*Türk Dili ve Edebiyatı Dergisi*, IX, 1958, s. 70-80).

✓ G. CALASSO, Partire: l'incipit delle relazioni di viaggio di Ibn Faḍlān, Nāsir- e Khosrow Ibn Jubayr, Ibn Baṭṭūta.....	81
✓ L. CAPEZZONE, Un miracolo di 'Alī Ibn Abī Ṭālib: i versi attribuiti ad Al-Sayyid Al-Himyarī e il modello storiografico delle fonti relative al <i>Radd al-Sams</i> .....	99
G. LANÇIONI, Sull'ordinamento dei dizionari arabi classici.....	113
✓ P. ORSATTI, L'innamoramento di Ḥusraw e Širīn nel poema di Nizāmī e il potere psicagogico della parola.....	129
A.M. PIEMONTESE, Il pomo aureo del paradiso persiano.....	147
L. ROSTAGNO, Note su una devozione praticata da cristiani e musulmani a Betlemme: il culto della Madonna del latte.....	159
✓ B. SCARCIA AMORETTI, A proposito di alcune elegie ( <i>riḥzā'</i> ) dello Sharīf al-Murtaḍā (967-1844) per al-Husyan ibn 'Alī ibn Abī Ṭālib.....	173 - 186

- Ibn Faḍlān  
- Nāsir- Ḥusraw  
- Ibn Baṭṭūta  
- Ḥiz al-  
- Sa-yid al-Himyar  
- Nizāmī-ye Gencav  
- Sharīf Murtaḍā  
- Ḥusraw = Ḥusraw

ISSN 0392-4866

UNIVERSITÀ DI ROMA «LA SAPIENZA»  
DIPARTIMENTO DI STUDI ORIENTALI

MADDE YAYINLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

30 MAYIS 2010

In memoria di Francesco Gabrieli  
(1904-1996)

SUPPLEMENTO N° 2  
ALLA RIVISTA DEGLI STUDI ORIENTALI  
VOLUME LXXI

ROMA  
BARDI EDITORE

1997

D128

Türk Dili Araştırmaları Yıllığı, Belleten 2001 /I-II,

Ankara 2003, s. 181 - 191.

## ŞEYHİ VE HÂMİDÎ-ZÂDE CELİLÎ'NİN HUSREV Ü ŞİRİN'LERİNİN BİR MUKAYESESİ

Şevkiye KAZAN

Husrev ü Şîrîn mesnevisi İran kaynaklıdır ve Sâsânî hükümdarlarından Husrev-i Pervîz'in hayatına ve aşk maceralarına dayanmaktadır. İran ve Türk Edebiyatlarının bu çok sevilmiş ve tanınmış hikâyesinde, Husrev ile Şîrîn arasında geçen aşk anlatılmaktadır. Usta bir mühendis olan Ferhâd, Şîrîn'in diğer âşığı ve eserin üçüncü kahramanıdır. Böylece bu üç kişi ve iki aşk etrafında gelişen olaylar mesnevinin konusunu oluşturmuştur. Hikâyeyi eserlerine konu edinen bazı şairler üç kahramanı birden ele aldıkları hâlde bazıları da sadece Ferhâd ile Şîrîn'in hikâyesini işlemişlerdir.

Husrev ü Şîrîn hikâyesi ilk defa X. yüzyılda meşhur İran şairi Firdevsî tarafından "Şehnâme"de işlenmiştir. Ondan iki yüzyıl sonra İranlı şair Hakîm Senâî ile edebî bir kimliğe sokulan bu eser daha sonra Genceli Nizâmî ile ölümsüzleştirilmiştir. Nizâmî'nin bu eşsiz eserinden sonra yakın zamanımıza kadar hikâyenin birçok İran ve Türk şairi tarafından mesnevi biçiminde yazıldığını görüyoruz.

Türk edebiyatında Husrev ü Şîrîn ilk defa Alınordu sahasında yetişmiş olan Kutb tarafından yazılmıştır. Faruk K. Timurtaş<sup>1</sup> tarafından, yirmi bir şairimizin bu konuda eser meydana getirdiği tespit edilmiştir.

Nizâmî'nin Husrev ü Şîrîn mesnevisini Türkçeye ilk kez aktaran ve kendinden önce ve sonra gelen Türk şairleri arasında en başarıyla işleyen Şeyhî' (Ö.H. 832/M. 1429) dir. Zaten şairin bu eseri Türkçede yazılan diğer Husrev ü Şîrîn'lerin en güzeli olarak kabul edilmiştir.

Agâh Sğırır Levend, Celilî'nin mesnevisini H. 918/M. 1512'de tamamladığını Şeyhî'nin eseriyle arasında seksen yıldan fazla bir zaman farkı olduğunu işaret ederek: "Bu iki eser arasında aynı parçaları karşılaştırarak yapılacak bir kıyaslama, Türk edebiyatının bu süre içinde dil, deyiş, hüner ve sanat bakımından geçirdiği gelişmeyi izleyebilmek için çok güzel bir fırsattır." demektedir.<sup>2</sup> Şeyhî'nin Husrev ü Şîrîn'inin Prof. Dr. Faruk K. Timurtaş tarafından tenkitli olarak yayımlandığına dikkati çeken Prof. Dr. Hüseyin Ayan ise "Yeni araştırmacılar için oldukça sağlam bir baş-

<sup>1</sup> Faruk Kadri Timurtaş, "Türk Edebiyatında Husrev ü Şîrîn ve Ferhâd ü Şîrîn Hikâyesi" TDED, IX. 1959, s. 70-80; "Husrev ü Şîrîn ve "Ferhâd ü Şîrîn Yazan Şairlerimiz" *Türk Dili*, Temmuz, 1952, s. 15-21.

<sup>2</sup> Agâh Sırrı Levend, "Celilî'nin Husrev ü Şîrîn'i", TDAY, 1965, ayrı basım, s. 103.



120: a ...  
TÜRK REYİSİ  
TÜRK HUKUKU SIKI  
İRAN EDEBİYATINDA HUSREV Ü ŞİRİN VE  
FERHAD Ü ŞİRİN YAZAN ŞAIRLER

FARUK K. TIMURTAŞ

Husrev ü Şirin yahut Ferhâd ü Şirin hikâyesi, şark edebiyatlarının en meşhur ve en belli başlı hikâyelerindedir. İran ve Türk edebiyatlarının bu çok yaygın ve çok sevilmiş kıssasında, Sasanî hükümdarlarından Husrev Pervîz (596-628) ile Ermen hükümdarının yeğeni Şirin arasında geçen aşk macerası anlatılmaktadır. Su yolları yapmakta usta bir mühendis ve mimar olan Ferhâd, Şirin'in diğer âşığı ve üçüncü kahraman olarak hikâyede yer almaktadır. Böylece bu üç şahıs ve iki aşk etrafında toplanan ve efsaneleşen vakalar, kıssanın konusunu meydana getiriyor.<sup>1</sup>

Firdevsi'nin *Şehnâme*'sinde, Husrev'in siyasî mücadelesi etraflı anlatıldığı gibi, Şirin ile olan macerası üzerinde de kısaca durulmuştur.<sup>2</sup> Hikâyeyi edebî gayeyle ilk ele alan XII. yüzyılın meşhur İran şairlerinden Senâi'dir.<sup>3</sup> Daha sonra Genceli Nizâmi (1141-1203), yarattığı büyük eserle, hikâyeye ölmezlik vasfını kazandırdı. Nizâmi'nin eşsiz eserinden sonra, yüzyıllar boyunca pek çok İran ve Türk şairinin bu konuyu işlediğini görüyoruz.<sup>4</sup>

Bu araştırmamızda İran edebiyatında bu kıssayı nazm etmiş

<sup>1</sup> Hikâyenin tarihi menşei ve tekâmülü için bk. Şükrü İbrahim, *İran ve Türk edebiyatlarında Husrev ü Şirin ve Ferhad ü Şirin*, mezuniyet tezi, *Türkiyat Ens. Ktp.* tez nr. 72, s. 1-7; Faruk K. Timurtaş, *Şeyhi ve Husrev ü Şirin'i*, doktora tezi, 1949, *Türkiyat Ens. Ktp.* tez nr. 333, s. 1-6; Aynı müellif, *Türk edebiyatında Husrev ü Şirin ve Ferhad ü Şirin hikâyesi* (*Türk Dili ve Edebiyatı Dergisi*, IX, 1959, s. 65-69).

<sup>2</sup> *Şehnâme*, Bombay basımı (resimli taş baskı), s. 1051-1076.

<sup>3</sup> Bk. Fevziye Abdullah, *Ferhad ile Şirin* (IA, IV, s. 565).

<sup>4</sup> Türk edebiyatında bu hikâyeyi yazan şairler için bk. Faruk K. Timurtaş, *«Husrev ü Şirin» ve «Ferhad ü Şirin» gazan şairlerimiz* (*Türk Dili*, Temmuz 1952, s. 15-21); Aynı müellif, *Türk Edebiyatında Husrev ü Şirin ve Ferhad ü Şirin hikâyesi* (*Türk Dili ve Edebiyatı Dergisi*, IX, 1959, s. 70-80).

Şarkiyat Mecmuası, c 4, s. 73-86, 1961 (İSTANBUL)

NOT

Makalenin devamı "FERHAD Ü ŞİRİN"  
başlığında

081677 HÜSREV ve SİRİN  
050787 EMİR HÜSREV-i DİNLEVI



Bergl / Klaus  
Khanada Movvutse

Değışik Kitaplar ekle  
Bilgi için  
S. P.

1991 EKİM 1983

حسین نایل

# مثنوی شیرین و خسرو امیر خسرو بلخی

نظامی کججه بی سخن سرای نامی زبان دری در سال ۵۷۶ هجری قمری داستان شورانگیز و شادی بخش خسرو و شیرین را که کتاب دوم از خمسه اوست منظوم گردانید. این داستان باستانی و کهن که بانظم شاداب و شکوفان نظامی جاودانه شده، مانند دیگر اجزای خمسه بارها مورد پیروی و بازسازی عده ای از سخن گستران بعد از او واقع گردید و زینچه سالمی برای طبع آزمایی دنباله روان شناخته آمد. تا جا بیکه تذکره ها نشان میدهند ظاهراً اولین سراینده ای که به دوباره سازی و جواب گوئی از خمسه دست یازید، امیر خسرو بلخی، سخن پرداز دور از وطن الفانستان بود که «شیرین و خسرو» را پس از مطلع الانوار برشته نظم کشید و بعد سه جز و دیگر آنرا نیز پایان آورد. پس از امیر خسرو بلخی، بنظم اندر آوردن داستان شیرین و خسرو رواجی بیشتر حاصل کرد و شاعران سده دهم هجری در دست بدست کرد آن، اهتمام و توجه زیاد تر به ظهور رسانیدند. در یادنامه های شاعران، از بیان اسمای شیرین و خسرو سازان، این نامها بیشتر به نظر میرسند: خواجه شهاب الدین عبدالله سردارید بیانی متوفای ۹۲۲ ه در هرات. مولانا عبدالله هاتقی هروی متوفای ۹۲۷ ه که گفته میشود خمسه نظامی را با تمام جواب گفته است.

قاسمی گنا بادی متوفای ۹۵۰ ه که داستان خود را بنایت مفصل یعنی در (۹) هزار بیت نظم کرد و خود گردید: کهرهایی که زاد از بحر توفیق سه بار آمد هنر را از روی تحقیق وحشی بافقی متوفای ۹۹۱ ه. که نتوانست فرهاد و شیرین خود را انجام بخشد و بعد وصال شیرازی آنرا مکمل گردانید. عربی متوفای ۹۹۹ ه. میر عقیل کوثری که در ۱۰۱۵ متظومه خود را بیان رسانید. میر محسن رازی که بعد از پرخاختن شیرین و خسرو سال ۱۰۲۰ در بنارس پدر و زندگی گنت. نواب میرزا جعفر ملقب به آصفخان که مثنوی خود را در ۹۹۵ با تمام رسانید و در ۱۰۲۱ چشم از جهان فرو بست. مولانا عتایی متوفای ۱۰۲۵ ه. میرزا شریف کاشی که در ۹۹۳ ه راه هند را در پیش گرفت و در ۱۰۲۶ راه آخرت را. میرزا ملک مشرقی متوفای ۱۰۵۰ ه که میگویند توفیق اکمال داستان خود را بنایت و آن اثرنا تمام او با دیگر اشعارش در یک مجموعه در موزه برتانیه محفوظ است. ابراهیم ادهم که در عهد شاه جهان رخت به هندوستان کشید و در ۱۰۶۰ راهی جهان دیگر شد. عبدالله بن حبیب الله شهاب که منظومه اش را در ۱۱۹۳ خاتمه داد. علاوه بر آنها بی که یاد شد اسیر حسن بیگک رسول و مولانا حیدر خصالی، خواجه شاپور فریبی رازی که در هند وفات یافت، سلا زبوری، محمد طاهر و صلی، مولانا خضری خوانساری، سلا فوق الدین فوقی معاصر اورنگ زیب و هدایت الله رازی را که درین راه گانهایی برداشته اند نیز میتوان یاد آوری کرد. ازین «شیرین و خسرو» ها که پس از نظامی بردانگر و نوسازی شده اند تنها شیرین و خسرو امیر خسرو چند بار بجات رسیده و آوازه یافته است و از آن دیگران گویا جز چند تایی آنها غالباً به طبع نرسیده و شهرتی بدست نیآورده اند و امکان دارد از بعضی از آنها نسخه ها بی در سوزیم ها و کتابخانه ها یافته شود و از بعضی دیگر اثری برجای نباشد و منتها از ابلائی تذکره ها بدانها آشنایی پیدا کنیم. اگر تمام این داستانهای منظوم در دسترس می بودند این امکان وجود پیدا میکرد که از ارزشیابی و مقایسه آن ها با اثرهای نظامی و امیر خسرو و مطالب گفته نشده و آوزنده دیگری میسر گردد و در عین حال با چهره های پردازندگان و نگرش اجتماعی آنان، آشنایی حاصل آید.

## Fahrīs Husrev u Širīn vom Jahre 1367

Eine vergessene türkische Dichtung aus der Emiratszeit

Husrev-i Širīn VON BARBARA FLEMMING, Hamburg

I. Literarisches Leben am Hof der Aydınoğulları .....	36
II. Hs. or. Quart 1069 der Staatsbibliothek, Marburg .....	45
III. Fahrreddīn Ya'qūb b. Muḥammed, genannt Fahrī .....	46
IV. Zur Entstehung von Fahrīs Husrev u Širīn .....	50
V. Form und Aufbau des Werkes .....	54
VI. Die Widmung an 'Isā Beg von Aydıń und sein Haus .....	56
VII. Zur Stellung des Werkes innerhalb der türkischen Sprache und Literatur .....	59

### I. Literarisches Leben am Hof der Aydınoğulları

Unter den zahlreichen kunstsinnigen Fürsten der Emiratszeit in Anatolien nimmt die Dynastie der Aydınoğulları einen hervorragenden Platz ein. Dieses Gāzī-Emirat, das sein Entstehen dem türkischen Vorstoß nach Westen im letzten Drittel des 13. Jahrhunderts verdankt, und das von Anfang an außerhalb der traditionellen seldschukischen Staatsgrenze lag, kam besonders durch seine Seeunternehmungen zu beträchtlichem Reichtum. Schon früh begannen die Aydınoğulları, die Schätze, die sie Byzantinern und Franken „auf dem Wege Gottes“ abnahmen, für religiöse Zwecke und für die Pflege der Wissenschaften und Künste zu verwenden. Während eine ganze Reihe ihrer Baudenkmäler erhalten ist, sind die schriftlichen Werke, die an ihrem Hof entstanden, noch nicht alle bekannt und zuverlässig eingeordnet.

Im Rahmen dieser vorläufigen Betrachtung, die einem im Aydıń-Emirat entstandenen, bisher unbekanntem türkischen Werk gewidmet ist, interessiert besonders die Frage, welche Stellung das Türkische an den Höfen von Birgi, Tire und Ayasoluq (Ayāsulūq, d. i. Ephesus) einnahm und welche Werke in dieser Sprache erhalten sind. Um aber Umfang und relative Bedeutung solcher Anfänge einer türkischen Nationalliteratur beurteilen zu können, ist ein Blick auf den wissenschaftlichen „Betrieb“ und den Stand der Bildung an diesem Fürstenhof angebracht.

Die großzügige und geradezu begeisterte Förderung, die der orthodox-islamischen Religion und Bildung bei den Aydınoğulları zuteil wurde, beginnt mit dem ersten Fürsten der Dynastie, dem „Sultan der Glaubensstreiter“ Mubārizeddīn Muḥammed Beg (1308—1334). Dieser Fürst zog

in dem Bestreben, seiner Religion nicht nur mit dem Schwert zu dienen, sondern sich auch in ihre Glaubenslehren zu vertiefen, bekannte Gelehrte als Lehrer an seinen Hof, ließ sich Traditionen erklären und hat sich vielleicht auch bemüht, im Umgang mit seinem Lehrer Ibn Melek (s. u.) das Arabische zu lernen. Neben seinem bedeutenden Moscheebau gründete Muḥammed Beg in Birgi die erste Medrese von Aydıń ili. Eine weitere Medrese stiftete seine Schwester, Sultān Šāh Hatun (gest. 1310), in derselben Stadt. Später entstanden Medresen in Tire, nämlich die von Süleymānsāh, dem dritten Sohn Muḥammed Begs (gest. 1349), gestiftete Medrese des Ibn Melek und eine „private“ Gründung, die 'Alī Hān- oder Orta Medrese, die 1354 von dem Scheich Hāgğī 'Alīhān b. Muḥammed errichtet wurde. Schließlich erwähnen die osmanischen Register noch ein 'Imāret mit Medrese, das ein Yaḥšī Beg in der Emiratszeit in Tire stiftete. Bei den Medresen der Sultān Šāh Hatun in Birgi und des Yaḥšī Beg in Tire ist der Standort nicht bekannt; die anderen drei Gebäude sind heute leider Ruinen<sup>1</sup>.

Diese Anstalten waren durch Stiftungen reich ausgestattet. Für seine Medrese in Birgi hatte Muḥammed Beg beträchtliche Liegenschaften — ein ganzes Dorf, Äcker, Öl- und Granatapfelgärten und eine Wassermühle — gestiftet. Die Professoren und Studenten hatten „Amtswohnungen“ und „Heime“, *sūknā ve yurd*, auf dem Bozdağ (Tmolos), der Sommerresidenz des Fürsten. Für ihre Besoldung waren feste Posten vorgesehen; im osmanischen Register, das diese Stiftungen aufführt, sind es 25 (aqçe) für den Professor und 7 (aqçe) für den (oder alle?) Studenten täglich<sup>2</sup>. Bei einem Weg zur Audienz bei Muḥammed Beg ritt der Professor von Birgi, in goldgestickte Gewänder gekleidet, auf einem lebhaften Maultier zur Residenz, links und rechts von Sklaven und Dienern begleitet, während die Studenten vor ihm hergingen<sup>3</sup>. Natürlich hatte auch der Kadi von Birgi eine wohldotierte Stellung; für ihn war die Nutznießung eines ganzen Dorfes festgelegt<sup>4</sup>.

Die Lehrtätigkeit von Richtern und Theologen, auch Ärzten, machte die Anlage von Bibliotheken erforderlich. Auch hier spendete der Fürst die Gelder, die zum Abschreiben der notwendigen Bücher benötigt wurden (an den Ankauf vorrätiger Bücher konnte kaum gedacht werden). Dieser Grundstock der Bibliothek blieb zum Gebrauch des jeweiligen Professors in der Medrese<sup>5</sup>. Weitere Bücher kamen sicherlich in der üblichen Weise durch Stiftungen der dort tätigen Gelehrten zusammen<sup>6</sup>. Zum Abschreiben der Bücher, die zur Vervollständigung der Bibliothek gebraucht wurden, dürften Kopisten angestellt worden und wohl auch an

<sup>1</sup> Akin 111, 143, 144, 170, 199.

<sup>2</sup> Akin 37, 137, 143, 147, 160.

<sup>3</sup> Gibb II 438.

<sup>4</sup> Akin 139.

<sup>5</sup> Akin 143, 147.

<sup>6</sup> Praktische Einzelheiten bei Rosenthal, *Technique* 10.

## İRAN EDEBİYATINDA HUSREV Ü ŞİRİN VE FERHAD Ü ŞİRİN YAZAN ŞAİRLER

FARUK K. TIMURTAŞ

Husrev ü Şirin yahut Ferhâd ü Şirin hikâyesi, şark edebiyatlarının en meşhur ve en belli başlı hikâyelerindedir. İran ve Türk edebiyatlarının bu çok yaygın ve çok sevilmiş kıssasında, Sasanî hükümdarlarından Husrev Pervîz (596-628) ile Ermen hükümdarının yeğeni Şirin arasında geçen aşk macerası anlatılmaktadır. Su yolları yapmakta usta bir mühendis ve mimar olan Ferhâd, Şirin'in diğer âşığı ve üçüncü kahraman olarak hikâyede yer almaktadır. Böylece bu üç şahıs ve iki aşk etrafında toplanan ve efsaneleşen vakalar, kıssanın konusunu meydana getiriyor.<sup>1</sup>

Firdevsi'nin *Şehnâme*'sinde, Husrev'in siyasî mücadelesi etraflı anlatıldığı gibi, Şirin ile olan macerası üzerinde de kısaca durulmuştur.<sup>2</sup> Hikâyeyi edebî gayeyle ilk ele alan XII. yüzyılın meşhur İran şairlerinden Senaî'dir.<sup>3</sup> Daha sonra Genceli Nizâmi (1141-1203), yarattığı büyük eserle, hikâyeye ölmezlik vasfını kazandırdı. Nizâmi'nin eşsiz eserinden sonra, yüzyıllar boyunca pek çok İran ve Türk şairinin bu konuyu işlediğini görüyoruz.<sup>4</sup>

Bu araştırmamızda İran edebiyatında bu kıssayı nazm etmiş

<sup>1</sup> Hikâyenin tarihi menşei ve tekâmülü için bk. Şükrü İbrahim, *İran ve Türk edebiyatlarında Husrev ü Şirin ve Ferhad ü Şirin*, mezuniyet tezi, *Türkiyat Ens. Ktp. tez nr. 72*, s. 1-7; Faruk K. Timurtaş, *Şeyhi ve Husrev ü Şirin'i*, doktora tezi, 1949, *Türkiyat Ens. Ktp. tez nr. 333*, s. 1-6; Aynı müellif, *Türk edebiyatında Husrev ü Şirin ve Ferhad ü Şirin hikâyesi* (*Türk Dili ve Edebiyatı Dergisi*, IX, 1959, s. 65-69).

<sup>2</sup> *Şehnâme*, Bombay basımı (resimli taş baskı), s. 1051-1076.

<sup>3</sup> Bk. Fevziye Abdullah, *Ferhad ile Şirin* (IA, IV, s. 565).

<sup>4</sup> Türk edebiyatında bu hikâyeyi yazan şairler için bk. Faruk K. Timurtaş, «*Husrev ü Şirin*» ve «*Ferhad ü Şirin*» yazan şairlerimiz (*Türk Dili*, Temmuz 1952, s. 15-21); Aynı müellif, *Türk Edebiyatında Husrev ü Şirin ve Ferhad ü Şirin hikâyesi* (*Türk Dili ve Edebiyatı Dergisi*, IX, 1959, s. 70-80).

حسان انوشه، دا نتشنامه ادب فارسی: ادب فارسی در قفقاز (اذربایجان، ارمنستان،  
گرجستان، جمهوری خود مختار داغستان)، جلد. بنجم، تهران ۱۳۸۲. ISAM ۱۳۷۶۰۰

خسرو گرجی

خسرو و شیرین

نظامی گنجوی، شاعر و داستان‌سرای ایرانی (ح ۵۳۵ - ۶۱۴ ق). خسرو و شیرین دومین مثنوی از خمسة نظامی است و وی سرودن آن را در اوایل برآمدن طغرل سلجوقی فرزند ارسلان (۵۷۳ - ۵۹۰ ق) آغاز کرد و در ۵۷۶ ق به پایان رسانید، اما بعدها بخش‌هایی بدان افزود. نظامی در سرآغاز کتاب در این باره می‌گوید: «چو سلطان جوان شاه جوان بخت - که برخوردار باد از تاج و از تخت /... به سلطانی به تاج و تخت پیوست - به جای ارسلان بر تخت بنشست» □ «گذشت از پانصد و هفتاد و شش سال - نزد بر خط خوبان کس چنین خال.» نظامی آن را به «هوس نامه» تعبیر کرده است. وی خسرو و شیرین را در بیش از شش هزار و پانصد بیت در بحر هزج مسدس مقصور/محدوف (مفاعیلین مفاعیلین مفاعیل) سروده و آن را به نام طغرل سوم سلجوقی، اتابک شمس‌الدین محمد جهان پهلوان فرزند ایلدگز (۵۶۸ - ۵۸۱ ق) و برادرش، قزل‌ارسلان فرزند ایلدگز (۵۸۱ - ۵۸۷ ق) کرده است. هم او در مقدمه خسرو و شیرین می‌گوید: «چنین فرمود شاهنشاه عالم - که عشقی نو برآر از راه عالم.» چون وی تا این جا نامی از طغرل سلجوقی نبرده، گویا مقصود وی از «شاهنشاه عالم» ارسلان شاه، پدر طغرل، بوده و به خواهش وی به سرودن خسرو و شیرین پرداخته است. نظامی پس از مقدمه‌ای در ستایش خداوند، در توحید، در استدلال نظر و توفیق شناخت، مناجات و تمنای آموزش، در نعت پیامبر، در سبب نظم کتاب، در مدح طغرل سلجوقی، در ستایش اتابک شمس‌الدین محمد ایلدگز، در خطاب زمین بوس، در مدح مظفرالدین قول ارسلان و در پژوهش کتاب، به اصل و اساس کتاب، داستان خسرو و شیرین، پرداخته است. پس از آن گفتاری پندآمیز درباره انجام کتاب، مدح طغرل شاه و رثای شمس‌الدین محمد جهان پهلوان بدان افزوده است. مخالفان نظامی این اثر را نقد کرده و آن را بازگشت به فرهنگ پیش از اسلام دانسته‌اند. وی از این منتقدان به «حریف‌گیران و سگان غریب افکن» یاد کرده است. خسرو و شیرین از دیدگاه موضوعی در ردیف مثنوی‌های غسنایی است. داستان شورانگیز خسرو و شیرین یادبود شکوهمندی از دل‌باختگی است و از مشهورترین افسانه‌های کهن فارسی و در شمار داستان‌های اواخر دوره ساسانی بوده و پیش از این، یادکرد آن در شاهنامه فردوسی، احزاب الطوال ابوحنیفه دینوری، المحاسن و الاضداد جاحظ، غرر اخبار ملوک الفرس

علی‌بیگ، ۱۲۵۴ - ۱۲۸۲ ق، شاعر آذربایجانی. وی برادر کوچک آذر قراباغی (- ۱۳۰۲ ق) و عاصی قراباغی (- ۱۲۵۶ ق) بود. خدادادبیگ در جوانی درگذشت و شاعران همدیارش در رثای او شعر سرودند. مطلع غزلی از او است: «به چین زلف تو صد کاروان است - جرس آسا دلم اندر میان است.»

منابع: تذکره نواب، چاپ ۱۹۹۸ م، ۱۴۶؛ ریاض‌المشقی، ۸۶ - ۸۷؛ سرایندگان شعر پارسی در قفقاز، ۱۷۲ - ۱۷۳.

رشنوراده

خسرو گرجی ( xos.ro-e.gor.ji )، ز ۱۲۴۰ ق، شاعر گرجی تبار ایرانی. از غلامان حاجی ابراهیم کلانتر شیرازی (- ۱۲۱۵ ق) بود. محمود میرزای قاجار در سفینه‌المحمود (تألیف در ۱۲۴۰ ق) درباره اش می‌گوید، پس از آن‌که فتح‌علی شاه قاجار (۱۲۱۲ - ۱۲۵۰ ق) حاجی ابراهیم کلانتر و کسان او را فرو گرفت، خسرو گرجی را به محمد حسین قاجار پسرخاله آقا محمدخان قاجار که سرکشیکچی باشی دربار بود (- ۱۲۲۲ ق) دادند. در ۱۲۲۶ ق که شاه قاجار با خاندان حاجی ابراهیم به سر لطف آمد، خسرو به ملازمت اسدالله خان پسر دوم حاجی (- ۱۲۸۰ ق) رسید و چون اسدالله خان در بروجرد نزد شوهر خواهرش محمدتقی میرزا حسام‌السلطنه، پسر هفتم فتح‌علی شاه که والی لرستان بود (- ۱۲۶۵ ق)، به سر می‌برد، در نتیجه خسرو نیز اواخر زندگی اش را در این شهر به سر آورد و از شاهزاده محمدتقی میرزا (مقرری و جامگی) می‌گرفت. وی احتمالاً در همان بروجرد درگذشت. خسرو گه‌گاه شعر می‌سرود و ابیاتی پراکنده از سروده‌هایش در تذکره‌ها باقی مانده است. نمونه‌ای از اشعار او است: «از حسرت وصل و هجرت ای ماه - مردیم نشد دل تو آگاه.»

منابع: تذکره خاوری، ۱۷۲، ۱۷۳؛ جایگاه گرجی‌ها در تاریخ و فرهنگ و تمدن ایران، ۳۰۹؛ حدیقه الشعراء، ۵۶۶/۱ - ۵۶۷؛ الذریعه، ۶۹۴/۹؛ سرایندگان شعر پارسی در قفقاز، ۳۵۸؛ سفینه‌المحمود، ۶۹۳ - ۶۹۴؛ گرجی‌نامه، سه، پنج تا هشت؛ مجمع‌النصحاء، ۲۴۶/۴؛ مصطفی خراب، ۵۸؛ عزیز دولت‌آبادی، «شاعران پارسیگوی گرجی»، یغما، یادنامه حبیب یغمایی، جلد ۲۳، صص ۱۶۵ - ۱۶۶.

دانشنامه

خسرو و شیرین ( xos.ro.va.si.rin )، منظومه‌ای عاشقانه سروده

Hüsrev ve Şirin

# “Khusraw and Shirin”

by  
Nizami of Ganja



Nizami of Ganja (c.1140-c.1209) is the pen-name of Jamal al-Din Abu Muhammad Ilyas. (“Ganja” is the name of the town in Azerbaijan where the author spent most of his life.) In general, Nizami worked independently rather than forming an association with the court of any particular ruler. He did dedicate several of his works to local princes, for which he was compensated by a modest gift or fee. Nizami was orphaned in childhood, yet his poetry gives evidence of an excellent education in a wide range of subjects. He married three times, remaining monogamous each time, despite the allowance in Islam for simultaneous marriage to more than one wife. “Khusraw and Shirin” (also spelled “Khosrow and Shirin”) is one of five romantic poems composed by Nizami for the collection *Khamsa* (“The Quintet”). Of the five, “The Treasury of Secrets” and “Seven Portraits” are original stories. The remaining three—“Layla and Majnun,” “The Story of Alexander the Great,” and “Khusraw and Shirin”—are tales adapted from the Arabic, Greek, and Persian traditions. Nizami wrote the most renowned account of the romance of Khusraw and Shirin, apparently to honor his beloved wife Afaq as well as his pre-Islamic heritage.

## Events in History at the Time the Romance Takes Place

The Sasanian past. “Khusraw and Shirin” is set during the reign of the Sasanian kings of Persia, the last line of Persian kings (ruled 226-651 C.E.) before the Arabs conquered Persia in 640 C.E. At

### THE LITERARY WORK

A romance set in Persia c. 600 C.E., completed in Persian (as *Khusraw va Shirin*) around 1180; the first surviving manuscript dates from 1362; first published in English in 1975.

### SYNOPSIS

Khusraw, a Persian prince, dreams that his dead grandfather makes four predictions, all of which come true. The fulfillment of the last one, that he will marry Shirin, is delayed for years, during which the couple’s personal qualities are tested.

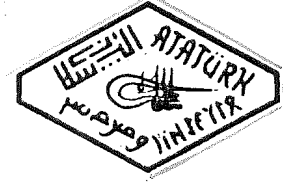
the height of its power, the Sasanian empire stretched from Mesopotamia (the lands around the Tigris and Euphrates rivers in present-day Iraq), to modern Afghanistan, to the Persian Gulf and the Indian Ocean, and its armies made incursions as far west as Palestine and Egypt. For several centuries the Sasanians, whose official religion was Zoroastrianism, competed with the Christian Byzantine Empire to the west. The Sasanian-Byzantine rivalry broke into full-scale war at times, but there was also considerable cultural exchange between the two.

The Sasanians made their capital in Ctesiphon (Tisfun), at the mouth of the Tigris River, some 20 miles southeast of today’s central Baghdad; Ctesiphon is now in ruins, but in Sasanian times it was a thriving cosmopolitan center. Along with a majority of Zoroastrians, the city had communities

MADDE YAYINLANDIRAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

07 Ocak 2007

25 EYLÜL 1973



# I. MİLLETLER ARASI TÜRKOLOJİ KONGRESİ

(İstanbul, 15-20 X.1973)

tebliğler

İSLAM TARİHİ ÇENAT  
ve KÜLTÜRÜ ARAŞTIRMA  
MERKEZİ - İSTANBUL

2565-

## 2. TÜRK DİLİ VE EDEBİYATI

Tercüman Gazetesi  
ve

Türkiyat Enstitüsü'nün  
işbirliği ile basılmıştır

İSTANBUL  
1979

Kısaca tanıtmaya çalıştığımız cönkteki şiirlerin teknik itibarı ile orta derecede mahsuller olduğu meydandadır. Ancak :

Bu fenâ dehrinde Ali'm  
Bin yaşayıp nolısar  
Hayr ü şer ne etti ise  
Âhir anı bulısar

dörtlüğünde görüleceği üzere zaman zaman arkaik dil ifadeleri kullanan ve bazen ilk Bektaşî şâiri Kaygusuz Abdal tarzında yürüyen Benli Ali'nin (30) manzumesini bir arada veren cöngümüz, 17 nci asrın ikinci yarısı ile 18 inci asrın başında yaşamış bâzı Cezâir şâirlerini tanımamıza ışık tutmaktadır.

Kuzey Afrika'ya Türk Kültürünü taşıyan bu şâirlerin eserleri bulundukça halk şiiri tarihimizin bir-çok problemlerinin aydınlığa kavuşacağı muhakkaktır.

### BEYLİKLER DEVRİNİN BİR ROMANTİK MESNEVİSİ : FAHRİ'NİN HUSREV U ŞİRİNİ

Barbara Flemming

Bu makalemde (\*) sizı takdim edeceğim eser, beylikler devrinden kalma bir mesnevidir.

Eser 1367'de Fahreddin Ya'küb b. Mehmed tarafından kaleme alınmıştır. Mahlası Fahrî olan şâir, eserini Aydınogullarından İsâ Bey'e (takr. 1360-1390) ithaf etmiştir.

Fahrî'nin kitabı, Nizami'nin (öl. 1209) meşhur Farsça mesnevisi Husrev u Şirin'in bir Eski Anadolu Türkçesi versiyonu olmakla beraber, aynı zamanda Firdevsî'nin (öl. 1020-1025/6) Şehnamesinden de bazı parçaları içine almaktadır. Vezin, Nizami'de olduğu gibi, hezecedir.

Klâsik versiyonu Nizami tarafından yazılan Husrev u Şirin hikâyesi (ki 576 h. bitirilmişti) hem Türkler hem de İranlılar arasında çok rağbet görmüştü. Adapsyonların sayısının her iki dilde aşağı yukarı aynı oluşu bence bunun güzel bir delilidir.

Bilindiği gibi, Türkçe olanların en eskisi Kutb tarafından Altınordu hükümdarı Tinibek için 1341'de yazılan Husrev u Şirin'dir.

Batı Türk edebiyatına gelince, Fahrî bulununcaya kadar meşhur Şeyhî'nin eseri Anadolu'da yazılan Husrev u Şirin mesnevilerinin ilki olarak kabul ediliyordu.

Fahrî'nin eserini bir kaç sene evvel Staatsbibliothek Preussischer Kulturbesitz'de rahmetli Profesör Karl Süsseim'in (1878 - 1947) kitapları arasında bulduktan sonra bir tanıtmakalesini yazmıştım (1). Prof. Fa-

(\*) Bu tebliğ 26 Eylül - 1 Ekim 1973 tarihleri arasında Konya'da toplanan Selçuklu Tarih ve Medeniyet Enstitüsü'nün tertiplediği Konya Semineri'nde okunmuştur.

(1) Barbara Flemming, Fahrîs Husrev u Şirin vom Jahre 1367. Eine vergessene türkische Dichtung aus der Emiratszeit. Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft 115 (1965), s. 36-64.

THE  
LIFE AND WORKS  
OF  
AMIR KHUSRAU

THESIS SUBMITTED FOR THE PH.D.  
DEGREE OF THE LONDON UNIVERSITY

IN 1929

(*Shir-in-o-Khusrau*)  
*Husrawi Shirin*

By

Dr. MOHAMMAD WAHID MIRZA, M.A. (Pb.),  
Ph.D. (Lond.)

(*Amir Husrawi*)



Published for

NATIONAL COMMITTEE FOR CELEBRATION OF  
700TH ANNIVERSARY OF AMIR KHUSRAU 1973

In the eighteenth *maqāla* Khusrau deals with the transitoriness of life and the 'treachery of the sky', the old age, and the necessity for a really able and pious preceptor. The subject is continued in the nineteenth *maqāla* which concludes in a very touching lament for his loneliness and the absence of friends. 'We also,' he says, 'had some one—a friend and a companion. Not a weed is now left of that garden. Why seek for the inmates? The very dwellings are no more! . . . . Those dead ones find not alas! the permission to come back from their distant abode! I die in longing for them—would that I were really dead and with them!'

The twentieth and the last *maqāla* is devoted to women. It consists of advices to his daughter Maimūnah and to women in general. The poet speaks rather sceptically of the loyalty of women, advises them to observe the *purdah*, tells them the way to domestic peace and amity and winds up with a tirade against women of loose character.<sup>1</sup>

In the epilogue the poet speaks proudly of his work, condemns such jealous persons as shut their eyes to 'the splendour of this moon-like idol' and see only its defects. He acknowledges his debt to other poets and gives, as we have already seen, the date of composing the poem and the numbers of verses in it.<sup>2</sup> Khusrau's example led many of his successors to compose similar imitations of the *Makhzan-ul-Asrār*. The most notable of these is Jāmī's *Tuhfat-ul-ahrār*.

A lengthy list of these poems is given in the *Haft Āsmān*.<sup>3</sup>

The poem was lithographed in Lucknow in 1884 A.D., and later in Aligarh. Manuscript copies, along with the other four poems of the *Khamsa* are numerous and are found in most of the libraries.

(12) *Shirīn-o-Khusrau*.

*Shirīn-o-Khusrau*, the second poem of his *Khamsa* and corresponding to *Khusraw-o-Shirīn* of Nizāmī was completed by the poet in the beginning of Rajab 698 H. It is composed in the same metre as its model<sup>4</sup> and has four thousand one hundred and twenty-four couplets. It differs considerably, in details, from Nizāmī's poem.

The work opens, as usual, with 'ḥamd' and n'at, the praise of Nizāmuddin Auliya, and an encomium on 'Alāuddīn Khaljī to whom the poem is dedicated.

1 Cf. *Hasht Bihisht* (Introduction).

2 *Vide Supra*.

3 See p. 1 et seq.

4 س — — | س — — | س — — twice.

مفاعیلن | مفاعیلن | فعولن

(خداوندا دلم را چشم بکشای به معراج یقونم راه بنمای)



AKTEN DES VIERUNDZWANZIGSTEN  
INTERNATIONALEN ORIENTALISTEN-KONGRESSES  
MÜNCHEN

28. AUGUST BIS 4. SEPTEMBER 1957

HERAUSGEGEBEN VON  
HERBERT FRANKE

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Demirbaş No:	32517
Tasnif No:	1



1959

DEUTSCHE MORGENLÄNDISCHE GESELLSCHAFT e.V.  
IN KOMMISSION BEI FRANZ STEINER VERLAG GMBH · WIESBADEN

Mss. zu urteilen, bedeutende sprachliche Unterschiede aufweisen. Den eigentlichen Charakter und die wesentlichen Eigentümlichkeiten der Sprache dieser Denkmäler können wir noch nicht klar beurteilen. Die Sprache unterliegt, wie es scheint, noch keinen Konsonantenänderungen und bei den unbedeutenden Unterschieden im Vokalgebrauch ist man nicht sicher, ob sie den Werken selbst angehören oder den Abschreibern zuzuschreiben sind. Auf dem Gebiete der Formenlehre ist besonders die Bildung und Konjugation der Bedingungsformen beachtenswert. Alttürkisch *-sar-men* (z. B. *al-sar-men*), wird hier zu *-sa-men* (*al-sa-men*), die später als *-sa-m* (*al-sa-m*) erscheint.

Aber dieses allein ist noch kein sicheres Hilfsmittel für die Bestimmung einer Periode. Denn der Form *-sa* begegnet man vereinzelt schon auf dem Gebiete der eigentlichen Uiguren und umgekehrt kommt die Form *-sar* vereinzelt auch in späteren Werken vor.

Früher hatte ich den Ausdruck *alt* einer noch *älteren* Periode vorbehalten und die Alttürkische Periode, wegen überwiegenden Charakters des Materials, als *uigurisch* und die darauffolgende Periode als *spätuigurisch* bezeichnet. Dadurch sollte hervorgehoben werden, daß diese Werke sprachlich den Alttürkischen näher stehen.

Es muß aber auch sehr überlegt werden, ob man für eine Periode das Attribut *mittel* gebrauchen kann. Denn dann müßte man die darauffolgende Periode als *neu* bezeichnen, was aber nicht gut geht.

Ich denke deshalb, man müßte vor einer endgültigen Benennung der Perioden zuerst die nicht allzu zahlreichen Werke, die dieser Periode angehören, einer genaueren Prüfung unterziehen.

Die neueren Schriftsprachen (Süd-, Nord- und Osttürkisch) haben seit ihrer Entstehung bis heute ihre eigenen Entwicklungsperioden, die im allgemeinen der gemein-türkischen Schriftsprache ähneln. Im Vergleich zur Entstehungszeit sind sie schon *neu*, sogar *modern* geworden. Ihre Perioden und Stufen warten auch einer zufriedenstellenden Festsetzung.

Bei den Bezeichnungen für all diese Abstufungen sollten neben den klaren und greifbaren Spracheigentümlichkeiten auch die sozialen und kulturellen Merkmale mitberücksichtigt werden.

Diskussion: H. J. KISSLING

ZAJĄCZKOWSKI, ANANIASZ (Warszawa): Die früheste türkische Version des Werkes *Husrev u Širin* von Qutb

Dieses literarische Denkmal hat sich in der Manuskriptensammlung der Bibliothèque Nationale in Paris unter Mss. Turcs Anc. F. 312 erhalten. Die Handschrift ist datiert; angefertigt wurde sie von dem muslimanischen Rechtsgelehrten (*fakih*) Bärkä ibn Baräkiz aus Kiptschak (al-Qibzaki), beendet wurde sie am 25. des Monats Safar im J. 785 der Hedschra (29. IV. 1383), und zwar auf dem Staatsgebiete der Mamelucken in Ägypten. Das Original dieses Denkmals, das

(nach Nizamis Werk) die älteste türkische Fassung des Poems *Husrev u Širin* ist, entstand in der Goldenen Horde um das Jahr 1341. Denn Qutb, der Übersetzer des Werkes, widmet es dem Herrscher der Goldenen Horde, Tini-bek (herrschte 1341–1342).

Der Verfasser der Handschrift, Qutb, stützte sich unzweifelhaft auf die persische Urschrift des Poems *H Š* von Nizami, indem er sie teils treu übersetzt, teils eigenartig umgestaltet hat. Zahlreiche von Qutb auf Grund seiner guten Kenntnisse der Realien des Reiches der Goldenen Horde in das Werk eingeflochtene Einzelheiten erlauben uns, das Denkmal als eine wertvolle Umgestaltung des Werkes von Nizami zu betrachten.

Der lexikalische Reichtum der Sprache des Qutb sowie deren zahlreiche kiptschakische Elemente machen dieses Werk zu einem hervorragenden Denkmal der literarischen Sprache der Goldenen Horde. Bekanntlich bildete die Goldene Horde keinen einheitlichen Staat, sondern setzte sich aus vielen türkischen Volksstämmen zusammen. Zur literarischen Sprache der Goldenen Horde wurde unter Aufnahme vieler kiptschakischer Elemente der ost-türkische Dialekt (aus *Ĥoresm*?) erhoben.

Eine Transkription des ganzen Textes des Poems *H Š* befindet sich gegenwärtig im Druck. Ich bearbeite auch ein Wörterbuch zu diesem Werk. Der Wortbestand des *H Š* ist dem des Mahmud aus Kaschghar sehr ähnlich.

Hier kann ich einige Beispiele zitieren. Die folgenden Wörter sind nur bei Mahmud aus Kaschghar (teilweise auch in uigurischen Texten) und in unserem Denkmal von Qutb bezeugt:

- aylaq — einsamer Ort, unfruchtbar (Land)
- asru-maq, MK asruš-maq — sich anniesen
- arsyq-(tur)maq MK arsyq-maq — sich täuschen lassen (Q sačyb altun kururš arsyqturalyn)
- äldiri — Ziegenfell
- ämükdaš — Milchbruder
- balynla-maq — erschreckt aufwachen, aufspringen
- ban-maq — angebunden werden
- büt-mäk — an etwas glauben, cf. Hs tanry-ga bütmek
- vyvyq — Gazelle
- iydla-maq, iyjla-maq — beriechen
- kin jypar / MK kün jypar — Moschusblase
- ökünö — Jammer, Reue
- ön-mäk, öndürmak — wachsen, wachsen lassen
- sučy-maq — springen (auch uigurisch)
- tabla-maq — annehmen, zufrieden sein mit (auch uigurisch)
- tyj-maq — hindern
- tylta-g — Vorwand
- turqyl-maq (MK turqyn-maq) sich schämen

usw. usw.

Außer dem rein Sprachlichen des Werkes verdient auch die dichterische Sprache des Qutb erforscht zu werden. Vielfach führt der Übersetzer eigenartige



نشریه

# دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز

شماره اول

Hüseyin Sirin

Nizami - سال بیست و یکم - بهار ۱۳۴۸

شماره مسلسل ۸۹

چاپ نشن ۲۲۲۷

Hüseyin Sirin  
Nizami

مفعول و مصدر ساخته میشود .

برای مثال فعل bere (= بودن) را ذکر میکنیم :

- Ber
- ↓
- + e = bere = مصدر
- + in = berin = ماضی مطلق
- + en = beren = مضارع
- + ne berin = ماضی استمراری
- + den = ben (=r)den = حال اخباری
- + abrin = berabrin = ماضی بعید
- + anbi = beranbi = ماضی شرطی
- + anda = beranda = اسم فاعل
- + a = bera = صفت مفعولی
- ↓
- + ma = berama = ماضی نقلی
- + ninen = beraninen = مستقبل

چنانچه در صورت فوق مشاهده میکنیم ماضی و مضارع و مستقبل و سایر مشتقات اسمی عموماً از يك «بن» (ber) درست میشود و این وضع يك وضع استثنائی است . در لهجه‌های تاتی نیز نمونه‌هایی از این اختلاف مشاهده میشود که باید در جای خود بدان توجه داشت .

اما در زبان اورامی که تفاوتی با کُردی معمول دارد با وجود دارا بودن دو «بن» برخلاف زبان فارسی ماضی استمراری را از «بن» مضارع میسازند درحالیکه در فارسی این فعل از «بن» ماضی درست میشود .

بقیه دارد

غلامحسین بیگدلی  
دکتر در ادبیات

## داستان خسرو و شیرین نظامی و ادبیات ترك

در سال ۱۹۶۵ شرقشناس آلمانی Borboro Felinmg در کتابخانه دولتی مارگبورک نسخه خطی از ترجمه منظوم داستان «خسرو و شیرین» نظامی بدست آورد که این اثر قدیمترین ترجمه این منظومه است که در نیمه دوم قرن XIV بوسیله فخرالدین یعقوب ابن محمد، متخصص به فخری از شعرای دوران فرمانروائی آیدین اوغلوها از زبان شیوای فارسی بزبان ترکی آنادولو ترجمه شده است. این ترجمه محصول سال ۱۳۶۷ میلادی است و میتوان گفت که اولین ترجمه داستان منظوم و دل‌انگیز «خسرو شیرین» استادیهمتای گنجه‌است که بزبان ترکی شده است. شاعر خودش در باره این ترجمه چنین میگوید :

گوجوم یتدیگجه اولدوم ترجمانی نظامی نین که شاد اولسون روانی  
اثر شادروان نظامی را تا آنجا که زورم رسید ترجمه نمودم

تا سال ۱۹۶۵ در باره این ترجمه هیچگونه معلوماتی در دست نبود و قبل از بدست آمدن این نسخه منحصر بفرد بوسیله دانشمند شرقشناس آلمانی حتی دانشمندان و نظامی‌شناسان خود ترکیه نیز از وجود چنین اثر ذقیقتی بی‌اطلاع بودند ، بطوریکه در هیچیک از مأخذها و اسناد تاریخی و ادبی و تذکره و جنگ‌های ترك بموجودیت يك چنین منظومه‌ای اشاره نشده است. فاروق تیمورتاش هم که یکی از نظامی‌شناسان برجسته و بنام معاصر ترك میباشد، در تدقیقات خود در اینخصوص چیزی نگفته و نوشته است. از اینرو میتوان چنین نتیجه‌گیری قطعی نمود که متأسفانه ترجمه فخری در وطنش غریب



# نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز

شماره دوم و سوم

سال بیست و یکم - تابستان و پاییز ۱۳۴۸

شماره مسلسل ۹۰-۹۱

تابستان ۱۳۴۸

α Hosrev-i Siah  
α Nizami

## در تهیه این مقاله از مأخذهای زیر استفاده شده است

- ۱- دستور جامع زبان فارسی، عبدالرحیم همایون فرخ، تهران ۱۳۳۷ ه. ش.
- ۲- دستور زبان فارسی، دکتر ع - خیامپور، تبریز ۱۳۴۷ ه. ش.
- ۳- دستور زبان فارسی و روش تجزیه و ترکیب، طاهره فرید و ... تبریز ۱۳۴۲ ه. ش.
- ۴- دستور نامه، دکتر مشکور، تهران ۱۳۳۸ ه. ش.
- ۵- دیوان حافظ، تصحیح محمد قزوینی و دکتر غنی، تهران ۱۳۲۰ ه. ش.
- ۶- فرهنگ آندراج، دکتر دبیرسیاقی، تهران ۱۳۳۵ ه. ش.
- ۷- فرهنگ لغات ادبی، محمد امین ادیب طوسی ۱-۲، تبریز ۱۳۴۶ ه. ش.
- ۸- فرهنگ معین، دکتر محمد معین.
- ۹- کلیات سعدی، تصحیح فروغی، تهران ۱۳۱۹ ه. ش.
- ۱۰- لغت نامه، علامه دهخدا.
- ۱۱- مکتوبات رشیدی، خواجه رشیدالدین فضل الله طیب، تصحیح محمد شفیع، لاهور ۱۹۴۵ م.

غلامحسین بیگدلی  
دکتر در ادبیات

## داستان خسرو و شیرین نظامی و ادبیات ترک

مانده از شماره قبل

ما از ترجمه شیخی چند نسخه در دست داشتیم که نسخه اختیاری خطی موجود مورد استفاده ما یکی از دستنویس‌های بسیار کهن سال و ذیقیمت و نادر است که در کتابخانه موزه نظامی در شهر باکو زیر شماره ۱۷ نگهداری میشود. متأسفانه چند ورق از اول و آخر دستنویس افتاده است و تعداد اوراق آن ۲۱۰ ورق (۴۲۰ صفحه) میباشد کاغذش خان‌بالغ محصول قرن XV، خطش رقع شکسته، با مرکب مشکلی نوشته شده جای سرلوحه‌هایش خالی است. عرض هر صفحه کاغذ ۱۴ و طول آن ۲۰ سانتیمتر میباشد. کاتبش نامعلوم است لیکن تاریخ پایان تحریر کتاب در آخرین صفحه چنین قلمی گردیده است: «تمت الكتاب، صلی الله علی سیدنا محمد و آله صحبه اجمعین، تحریر فی یوم الرابع العشرین من شهر رمضان المبارک سنه ثلاثین و تسع مائة من هجرة النبویة صلی الله علیه و سلم». از نوشته که در حاشیه یکی از اوراق کتاب ضبط است معلوم میشود ۳۰ یا ۳۵ سال بعد از تحریر این نسخه بدست شخصی بنام مصطفی ابن محمد افتاده، این شخص در حاشیه ورق ۱۴ آن جملات زیر را درج نموده است: «صاحب مصطفی بن محمود بن محمد نسل شیخ بروت (برات) البغدادی تحریر یوم الجمعة فی ۲۴ شهر صفر سنه (ه) ۹۶۰».

\*\*\*

درباره سبب نظم و تألیف کتاب، شیخی هم با الهام گرفتن از هاتف، برای جاویدان ساختن نام خویش همت بترجمه منظوم داستان «خسرو و شیرین» نظامی گمارده است.